



ترجمه قصیدهٔ میمیهٔ فردرزق که در حضور هشام خلیفهٔ اموی در خانهٔ خدا در عظمت حضرت امام زین‌العابدین(ع) سروده است:

در گذشته، هشام پودر حکم

خانهٔ حقّ را نهاد قدم

خواست تا که طواف خانه کند

بسد از دل غبار محنت و غم

کثرت مردمان مجال نداد

رفت یکسو نشست در مخیم

لققه زد اهل شام در دوش

بش کنَد چو حلقهٔ ماتم

زین عمل جمله شد پرنیان حال

تاآمد یکی چو لجمهٔ نور

در شکوه و وقار همچون جم

احترامش نمود خلق، همه

بوسه کردند سر را مقدم

به سهولت طواف کعبه نمود

استلام حجر نمود آن دم

شامیان را بسی ثقیل آمد

حشمت و حکم این ولّیِ نعم

سائلی کرد از هشام سؤال

کیست این پاک‌زار و پاکِ شَیم؟

در ملاحظت، مثال یوسف مصر

زکَربَراوش و سیحاً دم

دیدهٔ کس، ندیده هیچ زمان

این چنین صورت اندرین عالم

کرد آن کینه جو تجاهل و گفت

گفت از جان فردزق شاعر

نیست بر کس شکوه او مبهم

می‌شناسد مقام قدس، او را

کعبه و یست و رکن و حلّ و حرم

گر تو شناسایش، زبانی نیست

می‌شناسد وزا عَرب، و عَجم

اوست قطب معارف معنی

اوست اسرار غیب را محرم

متعلّی در او صفات خدا

آیت علم و حلم و جود و کرم

جز تشهّد نگفته «لا» هرگز

کرده خشنود، خلق را به یَعم

در شداید به فضل و رحمت او

ملتیجی می‌شود بنی‌آدم

فصل او را نمی‌داند اوام

نُکت او خارج از حدودِ رقم

نور حق را نبیند ار قوئی

نمود ارزش حقیقتِ کم

فاطمه، مادر ستوده اوست

جذ او خاتم‌السَّیِّن است

باب او مرتضی، امیر اَئم

سَید السَّاجدین و زین‌العباد

مایهٔ فخر آدم و خاتم

با ولای همگن اسامِ مهمام

عشق او را اگر ندرادر کس

پاک بُنود محبّت ایشان

گر نبودی محبّت ایشان

بُندی صحبت از وجود و عدم

حبّ ایشان، حدیث روز ازل

عهد و میثاق روزگارِ قَدَم

بعد ذکر خدای لم یزل

ذکر ایشان همی بُنودِ اقدم

گر نباشد علّی و آل علّی

بگسلد چرخ نیلگون از هم

«کاظمی» بس که اندرینِ وادی

قطرهٔ کمتری، فردزق، یَم

رئیس‌جمهوری: دانشگاه بهترین فضا برای نقد حاکمان است

رئیس‌جمهوری گفت: دانشگاه همواره فضای نقادی است؛ نقادی نسبت به حکومت، حاکمان دولت و جامعه. شاید هیچ جایی مانند دانشگاه برای نقادی جدی نباشد. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی طی سخنانی در آیین آغاز رسمی سال تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و فناوری کشور که از طریق ویدئوکنفرانس برگزار شد، با بیان اینکه از روز اول مقابله با کرونا خود را موظف دیدم در همه امور، برنامه‌ها و کارها—ب پروتکل‌ها را رعایت کنم، اظهار کرد: هر چند گاهی رعایت پروتکل‌ها با خواست قلبی انسان و عواطف او مغایرت ندارد، اما پروتکل شکنی نباید در ذهن ما شکل گیرد و رشد پیدا کند.

وی با قدردانی از تلاش‌های وزارت علوم برای بازگشایی دانشگاه‌ها با رعایت پروتکل‌ها، افزود: از کادر درمانی سراسر کشور نیز تشکر می‌کنم که توانستند طوری عمل کنند که امروز یکویم کادر درمانی و پزشکی کشور روی پای خود ایستاد و ما برای بستری کردن بیماران تخت کم نیآوریم.

رئیس‌جمهوری تصریح کرد: امروز حدود ۹۵درصد نیازهای دارویی خود را در داخل کشور تأمین می‌کنیم.

همچنین مردم ما برای تأمین ضروریات زندگی خود از آب و برق و گاز تا مواد غذایی در سایه تلاش مراکز علمی و تحقیقاتی و تولیدی به مشکلی برخوردند و این برای من خوشحالش‌کننده‌است.

روحانی با بیان اینکه ویروس کرونا زندگی مردم و اقتصاد جوامع را تحت تأثیر قرار داده است، گفت: برخی کشورها بیش از ۲۰درصد اقتصادشان در مدت شیوع کرونا کوچک شده است. کرونه ما را وادار کرده که زیست‌جدید را در پیش گیریم و با یکبک جدیدی فعالیت کنیم، اما هر فعلیتی را در چارچوب پروتکل‌ها ادامه دهیم و آن کار تعطیل نشود.

وی یادآور شد: اگر از ابتدا قرار بود که در تعطیل کنیم وقتی به زندگی مردم لطمه وارد می‌شد، و جدای از تأمین نشدن ضروریات زندگی، نشاط اجتماعی هم از میان می‌رفت و برای تأمین نیازهای معنوی هم به مشکل می‌خوردیم.

رئیس‌جمهوری با اشاره به اینکه دانشگاه مرکز نوآوری است و جایگاهی است که مدبران آینده ما را تربیت می‌کند، تأکید کرد: دانشگاه همواره فضای نقادی است. نقادی نسبت به حکومت، حاکمان دولت و جامعه. شاید هیچ جایی مانند دانشگاه برای نقادی جدی نباشد و وقتی این نقادی با در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه قطعاً به نفع ماست.

وی با یادآوری تحریم‌های واردی و شکست آنان در زمین زدن اقتصاد ایران، گفت: ما باید روی پای خودمان بایستیم و تا توانمندی داخلی استفاده کنیم؛ اما واقعیت این است که بدون تعامل با جهان، زندگی کردن بسیار سخت

و آگاهی ناممکن است. ما باید بتوانیم آنچه را تولید می‌کنیم صادر کنیم و در مواردی که چیزی در داخل موجود نیست، بتوانیم آن را وارد کنیم.

روحانی تصریح کرد: سال گذشته کالاهای ضروری را به اندازه نیاز و در مواردی بیش از آن، تأمین کردیم و در کشور در اختیار داریم.

همچنین در ماه‌های اخیر رشد مثبت اقتصادی داشتیم و در تیر و مرداد، صادرات و واردات‌مان به شرایط سال

گذشته بازگشت و حتی در مواردی بهتر شد.



وی با ناموفق خواندن تلاش‌های سیاسی و حقوقی دشمنان در برابر ایران، اظهار کرد: آمریکا به پایان فرصت یک‌ماهه خود برای پیروزی در برابر ایران نزدیک شده است و مدام هم می‌گوید در ماه به موقعیت می‌رسد، اما حتی نوانتاسته کارش را در این زمینه شروع کند و شورای امنیت هم به طرح آمریکا تا امروز توجهی نکرده است.

رئیس‌جمهوری ادامه داد: دانشگاه‌ها محظور که باید به نقد بپردازند، باید با قلم و با خون خود موفقیت‌های به دست آمده در زمینه سیاسی و حقوق بین‌الملل را برای مردم تشریح کنند. این موارد در تاریخ کشور ما بسیار اهمیت دارند.

وی درباره اقدام دانشگاه‌ها در سال‌های گذشته برای برتری در میان دانشگاه‌های جهان توضیح داد: شاخص‌ها و آمارها نشان می‌دهند شرایط ما نسبت به سال گذشته در این زمینه بهتر شده است، در شرایط علمی نسبت به گذشته در برخی از موارد جزو کشورهای برتر بوده‌ام و این یعنی ما پیشرفت علمی را فراموش نکرده‌ایم و در نوآوری علمی ازجایگاه ۱۲۰در جهان در طول هفت سال اخیر به جایگاه ۶۵رسیده‌یم.

همچنین تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در طول هفت سال اخیر صندبرابر و درآمد این شرکت‌ها نیز در هفت سال اخیر ششصدبرابر شده است و اگر همکاری دانشگاه‌ها با شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز تولیدی دانش‌محور بیشتر نشود، به روزی می‌رسیم که دانشگاه‌ها در کار پژوهشی خودکفا می‌شوند و نیازی به کمک دولت نخواهند داشت؛ هر چند تا زمانی که لازم باشد دولت کمک خواهد کرد. روحانی تأکید کرد: امروز زمان تاب‌آوری مضاعف است که مردم به فرهیختگی، نظام و دولت داشته‌اند و زمانی که این اعتماد وجود دارد می‌توانیم در برابر مشکلات مقاومت کنیم.وی افزود: البته در کنار این اعتماد، امید هم به مردم کمک می‌کند. هراسی برای مشکلات پیش‌رو نداشته باشند. مثلاً اگر این آمادگی و ابتکارگری را در کار پزشکی نبود، در وزارت نیرو نبود، در سایر موارد نبود، این امید هم لطمه می‌خورد. پس اعتماد مردم در برابر کارکرد نظام و دولت است.

رئیس‌جمهوری گفت: مردم وقتی در شرایط کرونایی می‌بینند که با همه مشکلات، کار تحصیل و دانش‌آموختن

اخبار داخلی



روا می‌شود، می‌توانند به نظام و کشور خود اعتماد کنند. وقتی می‌بینند با وجود تحریم‌ها، برق و آب قطع نمی‌شود می‌توانند به نظام و کشور اعتماد کنند و این ما هستیم که باید دست به دست هم در این اعتماد و امید را حفظ کنیم و دانشگاه‌ها در این زمینه نقش اساسی دارند.

سخنان وزیر بهداشت

دکتر سعید نمکی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هم در این آیین گفت: امروز اگرچه به صورت ناماین روز بازگشایی دانشگاه‌ها است، اما ۸۴سال است دانشجویان، دانش‌پژندها و پرستاران بی‌وقفه در رشته‌های مختلف به صورت شبانه‌روزی حضور فعال داشته و در کنار مردم برای مدیریت کرونا تلاش می‌کنند. در ایامی که دانشگاه‌ها تعطیل بودند، مسن‌ترین استادان پروانه‌وار در کنار ما ایستادند.

وی‌افزود:رئیس‌جمهوری مشتاقانه وچانه‌همی خواستند که در جمع دانشگاهیان حضور داشته باشند، اما فشار ما برای اجرای پروتکل‌ها به‌ویژه درمورد حفاظت مقامات تراز اول کشور باعث شد این موضوع را تحمل کنند و تشکر می‌کنم از مقام معظم رهبری، رؤسای سه قوه از جمله رئیس‌جمهوری که توصیه‌های همکاری را ما در رعایت پروتکل‌ها را رعایت می‌کنند.

وزیر بهداشت اظهار کرد: ما توانستیم با امکانات اندک در سال سخت تحریم و شرایط بسیار بر ضعیفه اقتصادی، حساسه‌ای خلق کنیم که نیازدار خاص و عام در دنیا شویم

و حتی دشمنان ما اذعان کنند که هیچ‌بیماری در ایران‌زمین، پشت در بیمارستان‌ها سرگردان نماند و هیچ بیماری به دلیل بی‌ضاحتی اقتصادی از درمان باز نماند و موج سهمگین کرونا را سیرانان نظام سلامت مدیریت کردند و این برای جمهوری اسلامی ایران افتخاری شده؛ اما همواره خارج از دست داند استادان را در سینه خواهیم داشت.

سخنان وزیر علوم

دکتر منصور غلامی، وزیر علوم هم با اشاره به نقش مهم دانشگاه‌ها برای عبور از بحران‌هایی نظیر کرونا و همچنین توسعه کشور گفت: آمیادوری‌های مهم‌ترین دولت در برنامه توسعه هفتم از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بیشتر از گذشته شود تا بتوانیم علاوه بر حرکت در مسیر اهداف مورد نظر، به توسعه کشور نیز کمک کنیم

وی ادامه داد: برای براساس گرایش یکی از همکاران ما در دانشگاه تهران درباره نحوه ورود آموزش عالی در دنیا در شرایط کرونا، اقدامات و تحولات آموزش عالی کشور، نه

می‌بینند که با همه مشکلات، کار تحصیل و دانش‌آموختن

رئیس‌جمهوری: دانشگاه بهترین فضا برای نقد حاکمان است

تنها کمتر از آنچه که در سایر کشورها اتفاق افتاده نیست، بلکه بعضاً شرایط بهتری از بسیاری از کشورهای دیگر نیز داریم که بیانگر آمادگی آموزش عالی کشور برای حضور در شرایط خاصی نظیر کرونا است.

سخنان رئیس دانشگاه تهران

محمود نیلی احمدآبادی، رئیس دانشگاه تهران هم اظهار کرد: دستاوردهای حوزه کرونا، نیازمند تشکیل یک کمیته تحت عنوان کمیته ملی پژوهش و فناوری در حوزه مقابله با کووید۱۹ برای ایجاد یک شبکه ملی متشکل از همه امکانات تخصصی، علمی و فناوری در کنار سایر امکانات پشتیبانی و درمانی است.

وی افزود: دانشگاه‌ها در همه حوزه‌ها سعی در انجام مسئولیت‌های اجتماعی و انجام پژوهش و فناوری حوزه‌های مقابله با شیوع ویروس کرونا و تاب‌آوری اجتماعی را داشته‌اند. بر این اساس، در کنار بررسی و مطالعات برای تحلیل و ارائه راه حل در مسایل اقتصادی، اجتماعی، کارآفرینی و روانشناختی، دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی با پشتیبانی سراجی فرمان امام (ره) و صندوق نوآوری و شکوفایی با تشکیل کارگروه‌های علمی و تخصصی تشخیص و مقابله با کرونا با رویکرد تولید زیست‌حسگرها و کیت‌های تشخیص کرونا، روش‌های درمان و تولید واکسنس برای کرونا، سیستم‌های هوشمند و آنالیز داده‌های مرتبط با کووید۱۹، ویروس‌شناسی و فآآوری نانو مرتبط با ویروس کرونا و ایجاد نمایشگاه مجازی دستاوردهای اقداماتی در این زمینه انجام داده‌اند.

سخنان رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران

عباسعلی کریمی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران هم در سخنانی اعلام کرد حضور رئیس‌جمهوری در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه افتاد کرد.

وی گفت: ما سال تحصیلی جدید را در روزهایی شروع می‌کنیم که هفت ماه است کشور درگیر پاندمی کووید۱۹است. مردم شرایط سختی را در این مدت پشت سر گذاشتند و البته که باید خدا قوت محکمی به وزارت بهداشت گفت.

کریمی با بیان این مطلب که شاید بهتر باشد یک مرتضی آوینی دیگری از خط مقدم درمان هم تصاویر را ثبت کند، اظهار کرد: این دوران سخت است و ما در علوم پزشکی افرادی داشتیم که شهید راه سلامت شدند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران تأکید کرد: کرونا هست و مشخص نیست که چه زمانی از جامعه ما رخت بر می‌بندد. کرونا تلخی از دست دادن سرمایه‌های ارزشمند حوزه پزشکی را بهپاچاشدند. ما پزشکی را از دست دادیم که دو هزار و ۲۰۰شهیدند کلیه انجام داده بود، اما یک فایده داشت: این که توانستیم بیماری‌های واگیردار را بهتر شناسانیم.

وی افزود: در این دوران شاید نمی‌ از مدیریت دانشگاه ما در بیمارستان بستری بودند، اما حاضر نبودند که کار خود را رها کنند؛ روحیه کارکنان دانشگاهی همین گونه است. کریمی در پایان خطاب به رئیس‌جمهوری گفت: ای کاش امروز بعد از هفت ماه تلاش دانشگاه علوم پزشکی و تمامی کادر بهداشت و درمان، شما را در جمع خردمان داشتیم تا حضوری از کادر درمان تشکر می‌کردید و این کار روحیه کادر درمان را تغییر می‌داد و خستگی از تن‌ها می‌رفت.

عذرخواهی وزیر آموزش وپرورش از بابت بی سلیفگی انجام شده در کتاب ریاضی سوم دبستان

رئیس‌جمهوری هم باا بیان اینکه معلمانی می‌توانند مرجان‌مآبی حقوق شهروندی به نامی سطوح جامعه باشند، تصریح کرد حق دسترسی به آموزش، یکی از حقوق مطرح شده در قانون اساسی و بنیاب منشور حقوق روایتی‌د رئیس‌جمهوری است.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و طول‌گرایی هم اظهار کرد: خط و تذهیب همیشه در طول تاریخ همسو بوده‌اند؛ طوری‌که اولین کتابی که تذهیب شد، علاوه بر داشتن نظم هندسی با خط خوش همراه بود. باید سعی کنیم هنری که باعث افتخار ایرانی است برای نسل‌های آینده بماند.

هستند؛ لذا تبصیر فرهنگ هنر جسته‌جسته که در دسترس بی آموزش وجود داشت، به‌طورکامل بر طرف کشده است و درنتیجه بنیاد حق آموزش و قدرت و توانایی که از این حق به دست می‌آید، به‌راحتی می‌تواند دیگر حقوق خود را تضمین کند.

اصلاح تصویر در سال آینده

حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هم درباره حذف دختران از روی جلد کتاب ریاضی سوم دبستان توضیح

داد: این رویداد خوبی نبود و مذموم است و نباید صورت می‌گرفت. اما حالا که چنین اتفاقی افتاده، باید به تصویر از کار دیگر کتاب‌ها برای داده و مجموعه به کار مشاهده کنیم. البته معنعمک نباید تصور دختران از روی جلد کتاب ریاضی برداشته

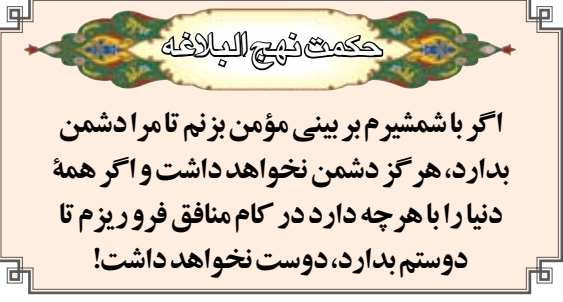
شود. در این رویداد خوبی نبود و مذموم است و نباید صورت می‌گرفت. اما حالا که چنین اتفاقی افتاده، باید به تصویر از کار دیگر کتاب‌ها برای داده و مجموعه به کار مشاهده کنیم.

رئیس‌جمهوری هم باا بیان اینکه معلمانی می‌توانند مرجان‌مآبی حقوق شهروندی به نامی سطوح جامعه باشند، تصریح کرد حق دسترسی به آموزش، یکی از حقوق مطرح شده در قانون اساسی و بنیاب منشور حقوق روایتی‌د رئیس‌جمهوری است.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و طول‌گرایی هم اظهار کرد: خط و تذهیب همیشه در طول تاریخ همسو بوده‌اند؛ طوری‌که اولین کتابی که تذهیب شد، علاوه بر داشتن نظم هندسی با خط خوش همراه بود. باید سعی کنیم هنری که باعث افتخار ایرانی است برای نسل‌های آینده بماند.



اگر باشمشیرم بی‌بی مؤمن بزم تا ما دشمن بدارد، هرگز دشمن نخواهد داشت و اگر همه دنیا را با هرچه دارد در کام منافق فرو ریزم تا دوستم بدارد، دوست نخواهد داشت!

اختتامیه هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم ونیز



هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم ونیز با اعطای جایزه شیر طلایی به فیلم «سرزمین آوارها» و همچنین جایزه نخست بخش افت‌ها و یک جایزه بازیگری به سینمای ایران به کار خود پایان داد. به گزارش ایسنا، جشنواره فیلم «سرزمین آوارها» ساخته آکلونی کرونا به صورت حضوری برگزار شد و در نهایت جایزه شیر طلایی بهترین فیلم هفتاد و هفتمین دوره این جشنواره به فیلم «سرزمین آوارها» ساخته آکلونی ژاؤو، محصول آمریکا رسید و جایزه بزرگ هیأت داوران نیز به فیلم «نظم نوین» ساخته «مایکل فرانکو» محصول مشترک فرانسه و مکزیک اعطا شد. امسال کیت بلاتشت، بازیگر ایتالیایی برنده اسکار، رئیس هیأت داوران بخش رقابتی ونیز بود و «اورونیکا فرانز» کارگردان و فیلمنامه‌نویس اتریشی، «جوانا هاگ» کارگردان و فیلمنامه‌نویس انگلیسی، «کولا لاجیوا» نویسنده ایتالیایی، «کریستین پتروله» فیلمساز آلمانی، «مت دیلون» بازیگر ایتالیایی و «اودیوینو» بازیگر فرانسوی به عنوان سایر داوران بخش رقابتی ونیز ۷۷، به داری فیلم‌ها و انتخاب برنده شیر طلای بهترین فیلم و سایر جوایز اصلی پرداختند. جایزه بهترین فیلم خارجی‌ساخته ونیز به «ایکوشی کوراساو» برای فیلم «زن یک جاسوس» رسید.

در بخش بازیگری، روح‌الله زمانی برای بازی در فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی، برنده جایزه «مارچلو ماسترویان» و ویژه بهترین بازیگر نوظهور افتخار آفرینی داشتیم که شهید راه سلامت شدند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران تأکید کرد: کرونا هست و مشخص نیست که چه زمانی از جامعه ما رخت بر می‌بندد. کرونا تلخی از دست دادن سرمایه‌های ارزشمند حوزه پزشکی را بهپاچاشدند. ما پزشکی را از دست دادیم که دو هزار و ۲۰۰شهیدند کلیه انجام داده بود، اما یک فایده داشت: این که توانستیم بیماری‌های واگیردار را بهتر شناسانیم.

وی افزود: در این دوران شاید نمی‌ از مدیریت دانشگاه ما در بیمارستان بستری بودند، اما حاضر نبودند که کار خود را رها کنند؛ روحیه کارکنان دانشگاهی همین گونه است. کریمی در پایان خطاب به رئیس‌جمهوری گفت: ای کاش امروز بعد از هفت ماه تلاش دانشگاه علوم پزشکی و تمامی کادر بهداشت و درمان، شما را در جمع خردمان داشتیم تا حضوری از کادر درمان تشکر می‌کردید و این کار روحیه کادر درمان را تغییر می‌داد و خستگی از تن‌ها می‌رفت.

رئیس‌جمهوری هم باا بیان اینکه معلمانی می‌توانند مرجان‌مآبی حقوق شهروندی به نامی سطوح جامعه باشند، تصریح کرد حق دسترسی به آموزش، یکی از حقوق مطرح شده در قانون اساسی و بنیاب منشور حقوق روایتی‌د رئیس‌جمهوری است.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و طول‌گرایی هم اظهار کرد: خط و تذهیب همیشه در طول تاریخ همسو بوده‌اند؛ طوری‌که اولین کتابی که تذهیب شد، علاوه بر داشتن نظم هندسی با خط خوش همراه بود. باید سعی کنیم هنری که باعث افتخار ایرانی است برای نسل‌های آینده بماند.

هستند؛ لذا تبصیر فرهنگ هنر جسته‌جسته که در دسترس بی آموزش وجود داشت، به‌طورکامل بر طرف کشده است و درنتیجه بنیاد حق آموزش و قدرت و توانایی که از این حق به دست می‌آید، به‌راحتی می‌تواند دیگر حقوق خود را تضمین کند.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

مستند «کیارستمی و عصای گمشده» فردا ۱۱کران می‌شود

و در ایران و آمریکا چاپ و توزیع شده است. ثانی همچنین کارگردانی چندین فیلم مستند و کوتاه را در کارنامه دارد. آیین دیدار مستند بلند کیارستمی و عصای گمشده، شششنبه ۲۵شهریور ساعت ۱۸:۰۰ همراهی عوامل فیلم و جمعی از هنرمندان و اهالی سینما در موزه سینما برگزار می‌شود.

رئیس‌جمهوری هم باا بیان اینکه معلمانی می‌توانند مرجان‌مآبی حقوق شهروندی به نامی سطوح جامعه باشند، تصریح کرد حق دسترسی به آموزش، یکی از حقوق مطرح شده در قانون اساسی و بنیاب منشور حقوق روایتی‌د رئیس‌جمهوری است.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و طول‌گرایی هم اظهار کرد: خط و تذهیب همیشه در طول تاریخ همسو بوده‌اند؛ طوری‌که اولین کتابی که تذهیب شد، علاوه بر داشتن نظم هندسی با خط خوش همراه بود. باید سعی کنیم هنری که باعث افتخار ایرانی است برای نسل‌های آینده بماند.

هستند؛ لذا تبصیر فرهنگ هنر جسته‌جسته که در دسترس بی آموزش وجود داشت، به‌طورکامل بر طرف کشده است و درنتیجه بنیاد حق آموزش و قدرت و توانایی که از این حق به دست می‌آید، به‌راحتی می‌تواند دیگر حقوق خود را تضمین کند.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و طول‌گرایی هم اظهار کرد: خط و تذهیب همیشه در طول تاریخ همسو بوده‌اند؛ طوری‌که اولین کتابی که تذهیب شد، علاوه بر داشتن نظم هندسی با خط خوش همراه بود. باید سعی کنیم هنری که باعث افتخار ایرانی است برای نسل‌های آینده بماند.

هستند؛ لذا تبصیر فرهنگ هنر جسته‌جسته که در دسترس بی آموزش وجود داشت، به‌طورکامل بر طرف کشده است و درنتیجه بنیاد حق آموزش و قدرت و توانایی که از این حق به دست می‌آید، به‌راحتی می‌تواند دیگر حقوق خود را تضمین کند.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و طول‌گرایی هم اظهار کرد: خط و تذهیب همیشه در طول تاریخ همسو بوده‌اند؛ طوری‌که اولین کتابی که تذهیب شد، علاوه بر داشتن نظم هندسی با خط خوش همراه بود. باید سعی کنیم هنری که باعث افتخار ایرانی است برای نسل‌های آینده بماند.

هستند؛ لذا تبصیر فرهنگ هنر جسته‌جسته که در دسترس بی آموزش وجود داشت، به‌طورکامل بر طرف کشده است و درنتیجه بنیاد حق آموزش و قدرت و توانایی که از این حق به دست می‌آید، به‌راحتی می‌تواند دیگر حقوق خود را تضمین کند.

وزیر آموزش وپرورش با اشاره به مطرح روی جلد کتاب ریاضی پایه سوم ابتدایی اعلام کرد: بابت این کتاب می‌سیلفگی، عذرخواهی کرده و آن را ریختند. تذهیب هنر کتاب‌سازی در یاد ساسانی تا امروز است. مردم این سرزمین با طلاق کتابها، اشعار و کلام الهی را زربزبان کردند، فکر می‌کنم هنر تذهیب یک نماد و سمبل است؛ سمبل فرهیختگی این مردم.

اوپی توضیح داد: در هیچ تمدنی سراغ نلدم که مردم با طلاق کتاب و آراشیشان کنند. واقعاً هنر تذهیب باعث افتخار ماست و باید این هنر را روی دست بگیریم و به دنیا نشان بدیم.

در این برنامه محمد نبیانی، استاد تذهیب و

اطلاعات

سال جاری را می‌توان سال آتش سوزی در مراتع و جنگل‌ها خواند، چرا که آتش سوزی‌های متعدد در جای جای کشورمان آسیب‌های کوچک و بزرگ به جنگل‌ها وارد کرده است.

مطابق تعریف، آتش‌سوزی جنگل گاهی آتش‌سوزی کنترل‌ناپذیر است که در منطقه‌ای با گیاهان اشتعال‌پذیر در نواحی روستایی یا در طبیعت روی می‌دهد. آتش‌سوزی جنگل با دیگر انواع آتش‌سوزی‌ها از نظر گستردگی، سرعت گسترش از منشا، پتانسیل تغییر جهت ناگهانی و توانایی جهیدن از میان فضاهای خالی مانند جاده‌ها، رودخانه‌ها و دیگر نقاط اشتعال‌ناپذیر تفاوت دارد. آتش‌سوزی جنگل از نظر علت آتش‌سوزی، ویژگی‌های فیزیکی آن مانند سرعت پراکندگی، وجود مواد اشتعال‌پذیر و تأثیر آب‌وهوا بر آتش توصیف می‌شوند.

برخی می‌گویند مهمترین دلیلی که برای تعدد آتش سوزی‌های اسمال وجود دارد، بارش‌های زیاد در فصل بهار بوده است. بارش در بهار بسیار بیشتر از میانگین سالانه بود و همین عاملی برای رشد فوق‌العاده گیاهان و درختان بود. رشد گیاهان خودرو را ابتدای تابستان ادامه شست و در آما خر بهار، به بیکار قطع شد. قطع بارش‌ها و گرم و خشک شدن هوا، عاملی خشک شدن انبوه گیاهان خودرو و خشک شدن آب در بهار به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر از سال‌های پیش رسته بودند. گیاهان خشک‌شده در مراتع و جنگل‌ها، همچون بارونی آماده انفجار شدند؛ اما این دلیل آوردن، توجیهی بر بی‌احتیاطی مسافران نیست؟ که سیگار و خرده شیشه‌ها زیر آفتاب همچون ذره بین عمل می‌کند و جرقه‌های ابتدایی آتش سوزی را ایجاد می‌کند و آتش دامن می‌کشد و کل جنگل را بر می‌گیرد.

پایین است. این موضوع لزوم حساسیت دوچندان برای حفاظت از بلوستان‌ها را یادآورد می‌شود. یکی از این مناطق، منطقه حفاظت شده «شیمیار» و کوه «دلا» است که امسال مورد تهاجم آتش قرار گرفت.

کوه «دلا» در منطقه حفاظت‌شده «شیمیار» منطقه‌ای با حیات‌وحشی چون مار، گراز، راسو و حتی پلنگ و پوشش‌های گیاهی چند هزارساله مانند بلوط و بادام است که متأسفانه آتش‌سوزی اخیر با منشا انسانی و به دنبال آن کتاهی و بی‌توجهی در سرعت بخشیدن به مهار آتش، خسارات زیادی به بار آورده است.

مدیرکل حفاظت از محیط‌زیست خوزستان در گفتگو با خبرگزاری مهر، در خصوص اقدامات سازمان حفاظت از حفاظت محیط‌زیست برای مهار آتش‌سوزی بیان می‌کند: گسیل تمام نیروهای شهرستان‌های مسجدهسلیمان، نوشهر، اندیشک، دزفول، پارس‌ملی در و کرخه و محیط‌بانان شهرستان آیدبه به منطقه اندیک‌بار برای مشارکت در مهار آتش‌سوزی ازجمله این اقدامات بود. محمدجواد اشرفی می‌کند: عمده‌ترین ادامه می‌دهد: یکی از علل طولانی شدن آتش‌سوزی در منطقه کوه دلا مصعب‌العوبر بودن و سخت و دشوار بودن دسترسی به منطقه دچار آتش‌سوزی بود و همچنین اینکه وجود مراتع زیاد به خاطر بارندگی و افزایش پوشش مرعی، وزش بادهای شدید فصلی باعث شد تا گسترش آتش غیرقابل‌کنترل باشد. وی به هماهنگی با گروه پروازی هلال احمر و سپاه پاسداران برای اطفا‌ی حریق اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید: هلال احمر برسای‌ا‌ی هلی‌پرد نیروها به منظور دسترسی سریع‌تر به نقاط مختلف و گروه پروازی بالگرد سپاه نیز برای آ‌پشایی و مهار آتش و خنک‌سازی منطقه همکاری داشتند.

مدیرکل حفاظت از محیط زیست خوزستان با

* جنگل‌های بلوط که قدیمی و پیر محسوب می شوند در بسیاری از مناطق زاگرس به دلیل تغییرات محیطی قابلیت احیا نیستند و احتمال این که پس از آتش سوزی، بتوان در رختانی ر اجا بگزین کرد، بسیار پایین است *مدیر کل سازمان حفاظت استان خوزستان: علت آتش سوزی عوامل انسانی است که عمدتاً اختلافات بین دامداران و مرتع داران منطقه است

آتش‌سوزی‌های متعدد اسمال به جنگل‌ها و مراتع محدود شد و بوستان‌های شهرها از جمله پایتخت هم بارها دچار آتش‌سوزی شد

گرچه آتش‌سوزی‌ها حجم و گستردگی آنچنانی نداشت ولی تعدد آنها خسارت بزرگی به محیط زیست کشورمان وارد کرد و این حال، به گفته کارشناسان تورث ۳۰ درصد از آتش‌سوزی‌ها به طور طبیعی صورت می‌گیرد و ۷۰ درصد مابقی آن توسط عامل انسانی فروخته می‌شود، البته گاهی این دخالت به عمد و در بسیاری موارد غیر عمد است.

گزارش

منابع طبیعی شهرستان اندیکا، باغملک، هفتکل، ایدّه و مسجدهسلیمان برای همکاری با حفاظت محیط زیست خوزستان در اطفا‌ی حریق کوه دلا منطقه حفاظت شده شیمیار اعزام شدند. ادامه می‌دهد: از روز اول این نیروها در عرصه دچار حریق شده حضور داشتند و در صورت دویاره شعلهور شدن آتش این نیروها به محل اعزام می‌شوند.

اطلاعات

زندگی و زمانه امام‌سجاد(ع)

دکتر رسول جعفریان



دوره‌ای که امام سجاد^(ع) در

آن زندگی می‌کرد، دورانی بود که همه ارزش‌های دینی دستخوش تحریف و تغییر امویان قرار گرفته و مردم یکی از مهترین شهرهای مذهبی (مدینه)، می‌بایست به عنوان «بسردهٔ یزید» یا به بیعت کنند! احکام اسلامی بازپچه دست

افسردگی چون ابن‌زبید، حجاج، عبدالملک بن مروان بود، سجاد، عبدالملک را مهمتر و برتر از رسول‌الله^(ص) می‌شمرد و برخلاف صورتی، از مسلمانان جزیه می‌گرفت و با اندک تهمت و

تفرائی، مردم را به دست جلالان می‌سپرد.

در سایه چنین حکومتی، آشکار است که تربیت دینی مردم تا چه اندازه تنزل کرده و ارزش‌های جاهلی چگونه احیا خواهد شد. امام سجاد^(ع) در این شرایط، انسانی اهل عبادت بود که مهمترین تأثیر اجتماعی‌اش در ایجاد پیوند مردم با خدا به وسیله دعا بود؛ شخصیتی که همه مردم تحت تأثیر روحیات و شیفته مرام و روش او بودند.

بسیاری از طالبان علم راوی احادیث او بودند و از سرچشمه پرفیض او که برگرفته از علوم پیامبر^(ص) علی^(ع) بود، بهره می‌جستند. شافعی در رساله‌ای آورده است: «علی بن حسین فقیه‌ترین مردم مدینه است…» ابن شهاب زهری «در عالمان زمان – با ولع تمام از امام بهره گرفته و حضرت را با عبارات زیادی ستوده است. او شیفته عبادت امام سجاد^(ع) و خلوص حضرت بود. ستایش زهری از امام

تسّا انسداد‌خود به برخی از مروایث او می‌گفتند: یا زهری! فعل نیک، یعنی علی بن الحسین^(ع) از حافظ نقل شده که می‌گفت: «در باره شخصیت علی بن حسین، شیعی، معزلی، خارجی، عامی و خاصی همه یکسان می‌اندیشند و هیچ کدام تردیدی در برتری و تقدم او (بر سایرین) ندارند».

از دلایل مهم شهرت امام و محبت او در میان مردم، انتشار جملات زیبا در قالب دعا بود که همه را به خود جذب می‌کرد. سعید بن مسیب – از محدثان مشهور – می‌گفت: «هیچ کس را باقوت‌از این علی بن حسین ندیدم.» مالک بن انس نیز بر این باور بود که (در آن زمان) در میان اهل‌بیت کسی همانند امام سجاد نبود.

آوردن‌داد که وقتی آن حضرت وضو می‌گرفت، رنگ چهره‌اش دگرگون می‌شد. وقتی علت را می‌پرسیدند، می‌فرمود: «ایا می‌دانید که در برابر چه کسی می‌خواهم بایستم؟» در وقت نماز به هیچ چیز توجه نداشت. زمانی که از خدمتکارش خواستند تا او را توصیف کند، گفت: «من هیچ‌گاه در روز برایش طعامی نیاوردم و در شب بستری برایش نگذستم».

در دادن صدقه و رسیدگی به محرومان نیز زیانزد بود و پس از شهادتش معلوم گردید که صد خاتواده از اتفاق و صدقات او زندگی می‌کردند. به نقل امام باقر^(ع)، امام سجاد^(ع) شبانه نان بر پشت ماکش می‌گذاشت و در تاریکی شب برای فقرا می‌برد و می‌فرمود: «صدقه در تاریکی شب، آتش غضب خداوند را خاموش می‌کند.» مردم نیز علاقه بدو داشتند و لذا در روایات آمده که قزاء به سوی مکه راه نمی‌آفتانند تا آن‌گاه امام خارج شود و آن‌گاه به دنبال او هزار سواره به راه می‌افتاد. وقتی که سواره از کوچه‌های مدینه می‌گذشت، هیچ‌گاه نمی‌فرمود: «راه راه»، تا کسی کنار رود. عقیده ایشان بر این بود که از مشترک است و من حق ندارم دیگران را کنار بزنم و خود بروم. از امام باقر^(ع) نقل شده است که: پدرم دو بار اموالش را در خدا تقسیم کرد.

امام سجاد^(ع) و شیعیان
در واپسین روز واقعهٔ کربلا شیعیان در بدترین وضعیت، از لحاظ کُمنی و کُیفی و نیز موقعیت سیاسی و اعتقادی، قرار گرفتند. کوفه که مرکز گرایش‌های شیعی بود، تبدیل به مرکزِ چپست سرکوبی شیعه گردید. شیعیان واقعی امام حسین^(ع) که در مدینه و مکه بودند و یا موفق شدند از مدینه از کوفه به او ملحق نشوند، در کربلا به شهادت رسیدند.

گرچه بسیاری هنوز در کوفه بودند، اما تحت شرایط سختی که ابن‌زبید در کوفه به وجود آورده بود، جرأت ابراز وجود نداشتند. کربلا از نظر روحی شکست بزرگی برای شیعه بود و به ظاهر این‌گونه مطرح شد که دیگر نمی‌توانند سر برآورند. عدای از اهل‌بیت و در رأس آنها امام حسین^(ع) به شهادت رسیدند و تنها یک نفر از فرزندانِ ذِکرِ حضرت باقی مانده بود که البته در آن موقعیت شهرتی نداشت، به‌خصوص که فرزند بزرگ امام، یعنی علی‌اکبر نیز به شهادت رسیده بود. زندگی امام سجاد^(ع) در مدینه و دور بودن از عراق، فرصت هدایت جریان‌ات شیعی کوفه را از امام گرفته بود.

در چنین وضعیتی که تصور نابودی اساسِ تشیع وجود داشت، امام می‌بایست کار را از صفر شروع کرد و مردم را به سمت اهل‌بیت بکشاند. راه این امر موفقیت زیادی کسب کرد، در توانست شیعیان حیاتی نو بخشد و زمینه را برای فعالیت‌های آینده امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) فراهم کند. تاریخ گواه است که امام در طول سی و چهار سال فعالیت، شیعه را از یکی از سخت‌ترین دوران‌های حیات خویش عبور داد دورانی که سیز سرکوبی شیعه به دست زبیریان و امویان، آشوب روشنی ندارد. جنگ حاکمیت حجاج بر عراق و سلطه عبدالملک بن مروان بر کل قلمرو اسلامی، تنها جهت‌گیری روشنش، کوبیدن شیعیان و در بخش‌های دیگر کوبیدن سایر مخالفان بود. در این سلسله دو نهضت شیعی – در عراق رخ داد که هر دو با شکست مواجه گردید. پس از آن نیز شیعیان با شدت هر چه تمام‌تر مورد تهدید اموی‌ها، از قتل و شکنجه و زندان، قرار گرفتند: یکی «نهضت ثوابین» بود که رهبری آن را سلییمان بن صرد خراسانی، به همراهی ننی چند از دیگر سرشناسان شیعه در کوفه بر عهده داشتند…

اَشتریا عمدهٔ سیاسی آنها عدم سنجش موقعیت، خارج شدن از کوفه، و سپردن خود به دست حوالت بود، که شیعه نیز به دلیل این اعتقاد خود که رهبری این حرکت، ثوابی در کمال مسألت نظامی و سیاسی نداشت، حاضر به همکاری نشدند و حتی موجب شد تا عدای از شیعیان از حاکم نهضت ثوابین خودداری کنند.

همین اهام درباره ارتباط امام سجاد^(ع) با دومین جنبش شیعی یعنی «جنبش مختار» وجود دارد. این ارتباط نه تنها از زاویه نگرش سیاسی، بلکه از بُعد اعتقادی نیز مشکلاتی را در بر دارد. گفته‌اند که مختار پس از آنکه موفق شد در کوفه شیعیانی را به سوی خود جلب کند، آن علی بن حسین^(ع) استعداد جست: ولی امام روزی خوش نشان نداد. چنین موضعی با توجه به سیاسی که امام تا به آخر دنبال کرد، منطقی به نظر می‌رسد. امام از پس از حادثه کربلا می‌دید که تمام احبای این جامعه مرده با در دست گرفتن رهبری آن وجود ندارد. به همین دلیل، ماهیت حرکت امام در دوران امامتش، به‌خوبی نشان می‌دهد که حرکت ایشان تنها یک حرکت سیاسی نیست و به بسیاری از موارد برخورد برکنار از سیاست به معنای مشخص فعالیت سیاسی بوده است.

جنبه اعتقادی قضیه نیز از زمانی شروع گردید که مختار از محمد بن حنفیه خواست تا او را تأیید کند و مورد حمایت قرار دهد. محمد بن کرد، چندان اما نه به صورت رسمی. از آن پس این‌گونه شایع گردید که در میان شیعه عراق، امامت محمد بن حنفیه پذیرفته شده است. گرچه این موضوع محرز نیست، اما بعدها که قرقای به نام «کیسانیه» شهرت یافت، داستان را از زمان مختار آغاز کرد.

با نفوذ بعضی از مانیی مقلد غلات در میان برخی از شیعیان کوفه، بعدها مختار نیز در معرض اتهام گرفت و این‌گونه شایع گردید که او در پیبشاید غلات سهم سهمزایی داشته است. بنا به دلایل زیادی که تمام این مسائل، و حتی اینکه مختار به نام کیسانیی به امامت یا مهادوت محمد بن حنفیه اعتقاد داشته باشند، تردید وجود دارد؛ اما در اینکه امام سجاد^(ع) علیه غلات موضع‌گیری کرد است، شواهدی وجود دارد. این به معنای وجود انحراف در میان شیعیان عراق بود که امام را با دانش تا از موضع‌گیری و برقراری رابطه مستقیم و حمایت کامل از آنها خودداری کند.

بر پایه منابع شیعه، محمد حنفیه طرف منحرفی نبود و امامت امام سجاد^(ع) را پذیرفته بود. بنابراین در اثبات اینکه واقعا خود را به عنوان امام برای شیعیان کوفه مطرح کرد، به نام کیسانیی به امامت یا راحل‌هایی می‌تواند فرض شود که در دستور امام سجاد^(ع) و برای دور نگاه داشته شدن امام دست به این اقدام زده است، گرچه شاهد تاریخی وزیادی این مطلب را تأیید نمی‌کند.

به دلیل انحرافی که در فوق ذکر شد، تردیدی در میان برخی برای انتخاب امام وجود داشت. کسانی بودند که در انتخاب امام مردد بودند. به هر حال، امام سجاد^(ع) موفق به بقای شیعه و حتی گسترش آن گردید. به‌رغم تلاش‌های مهم امام، که البته موجب بقای شیعه

گردید، مدینه به خاطر کج‌رویی‌هایی که از صدر اسلام در آنها نهاده‌ی شد و هیچ شیعه تحریک شده بود، جای مناسبی برای رشد شیعه نبود و امام سجاد^(ع) خود می‌فرمود که دوستداران واقعی آنها در مکه و مدینه به بیست نفر نمی‌رسد، در حالی که در عراق افراد بیشتری وجود داشتند که به آنها علاقه‌مند بودند.

«تاریخ خلفا (با تلخیص بسیار)

وجود مقدس زین‌العابدین^(ع) قهرمان معنویت است.

وقتی انسان خاندان پیغمبر را می‌گیرد، می‌بیند معنویت اسلام یعنی حقیقت اسلام، آن ایمان به اسلام تا خود حد در خاندان پیغمبر نفوذ داشته است. هدف اصلی اسلام و یکی از عوامل نگهدارندهٔ اسلام، معنویت یعنی تکوین انسان‌های صالح درصدد معنویت است. این انسان‌های معنوی در جبهه و جبهه دیگری به اندازه جاهد‌ها و قیام‌های دلیرانه مؤثرند و محیی اسلام‌اند. امام علی بن الحسین حامل معنویت اسلام است. در الاثور الهیه می‌نویسد: «کان^(ع) اذا حضرت اصولوه اقتصر جلده و اصفر لونه و ارتمد کالسفجه…» [به هنگام نماز تنش می‌لرزید، رنگش زرد می‌شد و می‌لرزید.]

علی بن الحسین^(ع) پیک محبت اسلامی است. قدسی است که فرستادهٔ محبت است. نیروی محبت نیز مانند نیروی معنویت و عرفان، نیروی عجیبی است. در الاثور الهیه می‌نویسد: «کان علی بن الحسین لیخرج فی اللیله الظلمات فیحمل الجراب علی ظهره و…» [در تاریکی شب کیسه بر پشت می‌نهاد و پول و گاه غذا یا هیزم برای فقرا برمی‌داشت.] امام سجاد مظهر کاملی است از اخلاق عرفانی و سلوک اسلامی. (مجموعه آثار شهید مطهری، ۹۲)

عبادات امام

انسان وقتی علی بن الحسین را می‌بیند، آن خونی که از خدا دارد، آن نمازهایی که واقعا نیایش بود و به قول الکنسینس کارل «پرواز روح به سوی خدا» بود؛ نمازی که او می‌خواند، این‌طور نبود که پیکرش رو به کعبه بایستد و روحش جای دیگری بازی کند؛ اصلا روح کانه از این کالبد می‌رفت. انسان وقتی علی بن الحسین را می‌بیند، با خود می‌گوید: این اسلام چیست؟ این چه روحی است؟ یک شب امام مشغول نیایش بود؛ یکی از بچه‌های امام از جایی افتاد و استخوانش شکست که احتیاج به شکسته‌بند پیدا شد. اهل خانه نایامندن متعرض عبادت امام شوند، رفتند و شکسته‌بند آوردند و دست بچه را بستند درحالی که او از درد فریاد می‌کشید. بچه راحت شد و قضیه گذشت.

هنگام صبح امام دید دستش بچه را بسته‌اند. فرمود: «چرا چنین است؟» عرض کردند: «جریان اینطور بود.» کی؟ «دیشب در فلات وقت که شمساً مشغول عبادت بودید.» معلوم شد که چنان‌که امام در حال جذب به سر می‌برد و چنان این روح به سوی خدا پرواز کرده بود که هیچ یک از آن صلا‌ها اصلا به گوش امام نرسیده‌بود (مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۸)

خدمت به مردم

فرزند پیغمبر است. به حج می‌رود. امتناع دارد با قافله‌ای حرکت کند که او را می‌شناسند. مترصد است قافله‌ای از نقاط دورست که او را نمی‌شناسند، پیدا شود و غریب‌وار داخل آن شود. وارد یکی از این قافله‌ها شد. آن‌ها اجازه خواست که: «به من اجازه دهید خدمت کنم» آنها هم پذیرفتند. آن زمان که با اسب و شتر و غیره می‌رفتند، ده دوازده روز طول می‌کشید. امام در تمام این مدت به صورت یک خدمتکار قافله درآمد. در بین راه مردی با این قافله تصادف کرد که امام را می‌شناخت. تا امام را شناخت، رفت نزد آنها و گفت: «این کیست که آورده‌اید؟ امام را خدمت خودتان؟» گفتند: نمی‌شناسیم، جوانی است مدنی؛ ولی بسیار جوان خوبی است؛ گفت: «بله، نمی‌شناسید، اگر می‌شناختید این‌چور به او فرمان نمی‌دادید و او را در خدمت نمی‌گرفتید.» گفتند: «گر کیست؟» گفت: «این علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب فرزند پیغمبر است.» دیدند خودشان را به دست و پای امام انداختند: آقا این چه کاری بود کردید؟! ممکن بود ما با این کارمان مذهب به عذاب الهی شویم، به شما جاستری بکنیم، شما باید اینجا بنشینید، ما باید خدمتکار و خدمتکار شما باشیم.

فرمود: «نه، من تجربه کرده‌ام، وقتی که با قافله‌ای حرکت می‌کنم که مرا می‌شناسند، نمی‌گذارند من اهل قافله را خدمت کنم. لذا می‌خواهم با قافله‌ای حرکت کنم که مرا نمی‌شناسند، تا توفیق و سعادت خدمت به مسلمان و رفقا برای من پیدا شود.» (مجموعه آثار، ۱۸)

♦♦♦♦♦

«یکی از کنجینه‌های بزرگ تشیع، این دهاماست. اگر هیچ دلیل دیگری نداشتیم غیر از دهاهایی که از علی^(ع) و صحیفه سجادیه داریم، اگر اسلام در چهارده قرن چیز دیگری نداشت، همین که توسط دو تن از شاگردهای اسلام، از آن دنیای بدویت و جهالت چنین اثری ظاهر شد، کافی است. آنقدر اینها اوج و رفعت دارد که عاجز جان این نیست

♦♦♦♦♦

لگد به افتاده

عبدالملک بن مروان بعد از بیست و یک سال حکومت استبدادی، در سال ۶۶ هجری از دنیا رفت. بعد از وی پسرش ولید جانشین شد. ولید برای آنکه از ناراضی‌های مردم بکاهد، بر آن شد که در روش دستنگاه خلافت و نظم معالامه و رفتار با مردم تبدیلی بنماید. مخصوصا در مقام قضای مرتبه مدینه برماد. این را گفت و رفت. بر آن اسماعیل مخزومی – پدزرن عبدالملک – را که دستما کرده بود و مردم همواره آرزوی سقوط وی را می‌کردند، از کار برکنار کرد.

هشام بن اسماعیل در ستم و توهین به اهل مدینه پیاداد کرده بود. سعید بن مسیب (محدث معروف و مورد احترام اهل مدینه) را به خاطر امتناع از بیعت، شصت تازینه زده و با جامه‌ای درشت بر سر پوشانده، به شری سوراخ کسره، دور تا دور مدینه گردانده بود. به تاریخ علی^(ع) و مخصوصا مهتر و سرور علویین، امام زین‌العابدین^(ع) بیش از دیگران بدرقاری کرده بود.

نظرها و اندیشه‌ها

ولید، هشام را معزول ساخت و به جای او عمر بن عبدالعزیز – پسرعموی جوان خود – را که در میان مردم به حسن نیت و انصاف معروف بود، حاکم مدینه قرار داد. عمر برای بازشدن عقدهٔ دل مردم دستور داد هشام را جلو خانه مروان حکم نگاه دارند و هرکس که از او بدی بدو یا شنیده، بایباید و تلاقی کند و داد دل خود را بگیرد. مردم دسته دسته می‌آمدند. دشنام و ناسزا و لعن و نفرین بود که نثار هشام می‌شد.

خود هشام بیش از همه نگران امام علی بن الحسین و علویان بود. با خود فکر می‌کرد انتقام علی بن الحسین در مقابل آن‌همه ستم‌ها و سبّ و لعن‌ها نسبت به پدران بزرگوارش کمتر از کشتن نخواهد بود؛ ولی از آن طرف، آنها نیز به تماشای منظره پرازحجام جمعیت پرداختند. در این میان مردی ظاهر شدد در سیمای پرهیزگاران. او نیز مانند همه یک جامه ساده بیشتر به تن نداشت. آثار عبادت بر چهره‌اش نمودار بود؛ اول طواف کرد. بعد به طرف حجرالاسود آمد. جمعیت با همه ازحاجمی که بود،

پیک محبت

استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری



همین کم که او را دیدند، فوراً کوچه دادند و او خود را به حجرالاسود نزدیک ساخت. شمایان که این منظره را دیدند و قسلاً دیده بودند که ولایتعهد با آن اهمیت و طعماقر و علیکم» و با او مصافحه کرد و بر حال او ترحم کرده، به فرمود: «اگر کمکی از من ساخته است، حاضرم». بعد از این جریان، مردم مدینه نیز شحات به او را موقوف کردند.

چرخان محبت

زین‌العابدین پیکر محبت بود. راه می‌رفت، هر جا بی کسی را می‌دید، غریبی، فقیر و مستدنی را می‌دید، کسی را می‌دید که دیگران به او توجه ندارند، به او محبت می‌کرد و به خانه می‌آورد. روزی یک عده جذامی را دید. از اینها دعوت کرد، به خانه خود آورد و پرسناری کرد. خانه زین‌العابدین خانه مسکینان و یتیمان و بیچارگان بود. (مجموعه آثار، ۱۸)

در مدینه چند نفر بیمار جذامی بود. مردم با تنفر و وحشت از آنها دوری می‌کردند. این بیچارگان بیش از آن اندازه که جسماً از بیماری خود رنج می‌بردند، روحاً از تنفر و انزجار مردم رنج می‌کشیدند، و چون می‌دیدند دیگران از آنها تنفر دارند، خودشان را هم نشست و برخاست می‌کردند. یک روز هنگامی که دور هم نشسته بودند، غذا می‌خوردند، زین‌العابدین از آنجا عبور کرد. آنها امام را به سر سفره خود دعوت کردند. امام معذرت خواست و فرمود: «من روزوه دارم، اگر روزوه نمی‌داشتیم، پایین می‌آمدم. از شما تقاضا می‌کنم فلان روز مهیان من باشید.» این را گفت و رفت.

امام در خانه دستور داد غذای بسیار عالی و مطبوع پختند. مهمانان طبق وعده قبلی حاضر شدند. سفرای محترمانه برایشان گسترده شد. آنها غذای خود را خوردند و از کار کنار همام سفره غذای خود را صرف کرد.

هشام و فرزند

هشام از شنیدن این قصیده، از خشم و غضب آتش گرفت و دستور داد مستمری فرزند را از بیت‌المال قطع کردند و خودش را زندانی کنند؛ ولی فرزند یکی اهمیتی به این حوادث نداد و در همان زندان نیز با اشتهاء اشتهار آبدار از مجوی و غذاهای هشام خودداری نمی‌کرد. علی بن الحسین^(ع) مبلغی فرستاد. فرزند از قبول آن امتناع کرد و گفت: «من آن قصیده را فقط در راه عقیده و ایمان و برای خدا اشتهاء کردم و میل ندارم در مقابل آن پولی دریافت دارم.» برای دوم علی بن الحسین آن پول را گرفت و پیغام داد: «خداوند خودش از نیت و قصد تو آگاه است و تو را مطابق همان نیت و قصدت پاداش نیک خواهد داد. اگر



چون‌کی زینتفش، سیه‌چرده و لاغر اندام بود، نسبت به لباس و سر و وضع خود نیز توجهی نداشت. موهایی شرش به سبیدی گزیده، دست و صورتش چروکیده و کلاه سبالی‌های جوانی دور شد به سر و وضع خود هم توجه نشان داد. بعد از پنج سال زندگی مشترک کلا هر دو پیر شده‌ایم. با انواع بیماری‌های کلاسه‌ای که نشان رد پای خستندگی و تن جان و دهنم در دهان را غافلگیر کرده است، پرده برمی‌دارد. حالا دیگر آن جوان سیه‌چرده باریک و نزار

این کمک را بپذیری، به اجر و پاداشت در نزد خدا زیان نمی‌رساند، و فردی را قسم داد که حتماً آن را بپذیرد. فرزند هم بپذیرفت. (مجموعه آثار، ۱۸)

صحیفه سجادیه

یکی از بارزش‌ترین میراث‌هایی که برای مسلمانان باقی مانده است – اگرچه آن‌چنان که باید، پدرش را نمی‌نامیم – وصیه امام زین‌العابدین و معارف و حقایقی است که ایشان در حال ذکر کرده‌اند. «دعای ابوحمزه ثمالی» نمونه‌ای از این دهام‌هاست. افسوس که این دهام‌ها شراخ نشده است و اگر شرح بشود، عجیب است، یکی از کارهای بسیار خوب این است که صحیفه سجادیه را خوب چاپ کنند و هر ایرانی که به مکه می‌رود، با خودش ده بیست تا از این کتاب‌ها ببرد و به مردمی که در اطراف آمدند، هدیه کند. این کتاب، دعای محض است و یک کلمه از آن کلماتی که موجب بهانه سعوی‌ها بود، در آن وجود ندارد. [اول کتاب] هم بنویسند که: «این دهام‌هایی است متعلق به علی بن الحسین بن



علی بن ابی‌طالب، فرزند رسول‌الله^(ص) که در سال ۸۴ق متولد شدد و در سال ۹۵ق از دنیا رفت و امام چهارم شیعیان است.» به نظر من این بهترین نسخه تبلیغ است؛ تبلیغ بی‌سر و صدایی است که در آن نه فحش است و نه مباهله‌ای که عکس‌العمل نشان بدهد. خلاصه برای کسی که از بهترین تبلیغ‌ها پیش

صحیفه سجادیه در میان مسلمین دنیاست که اصلاً از چنین کتابی خبر ندارند. قبل از اینکه ما به کم برویم یک منظاری – صاحب تفسیر معروف – زنده بود، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه برایش فرستاده بودند، تعجب کرد و بعد در نامه‌ای به یکی از آقایان نوشته بود: «سراور است که این کتاب را زبور آل محمد بنامیم.

حضرت زین‌العابدین^(ع) از راه همین دهام‌ها خدمت بزرگ و جاودانه‌ای به اسلام کردند. یکی از دهام‌های صحیفه سجادیه، «دعای مکارم الاخلاق» است، یکی از چیزهایی که همیشه در ذهن من خلیجان دارد، این است که این دعا را به فارسی شرح و منتشر کنم. این دعا دستورالعمل اخلاق است به صورت دعا؛ یعنی در این دعا اینکه مسلمان اخلاقی باشد باید چگونه باشد، به صورت دعا بیان شده است. (آشنایی با قرآن، ۱۲)

دعای حق

دهام‌های اسلامی از مضامین عالیه برخوردار است. از جمله «مناجات شعبانیه». دعایی است در سطح اشمه، خیلی سطح بالاشت. انسان وقتی این دعا را می‌خواند، می‌فهمد که روح ناپاست. در آن لحظه یعنی چه در آنجا جز عرفان و عشق به خدا، جز اقتطاع از غیر خدا و خلاصه جز سراسر معنویت، چیز دیگری نیست، و حتی تعبیراتی است که برای ما تفوض‌ها خیلی مشکل است. دعای ابوحمزه نیز همین‌طور است. همچنین مناجات پانزده‌گانه امام زین‌العابدین به مناجات «خمسه عشره» معروف است… به قدری این دعا عالی و لطیف و فوق‌العاده است که انسان حیرت می‌کند. (تعلیم و تربیت در اسلام)

جمله‌هایی که حضرت علی بن الحسین^(ع) در دعای ابوحمزه در مقام مناجات با خدا می‌گوید آیا هیچ کدام از ما در شأن‌ام می‌کنجد که چنین حرف‌هایی بزنیم و این دعا را در مقابل یک‌تا ناچیز بیاوریم؟ این الصغیف الذی قویه. تا اللذل الذی اعززه. تا الل فقیر الذی اغنیه. تا الل الجلال الذی اعلمته (یا علمته) و از این‌چور تعبیرات؛ یعنی من چیزی نیستم، آنچه من است، ضعیف و چهل و ناتوانی و این می‌شود هرچه من دارم. همان است که تو به من داده‌ای، از من نیست تو توست، تویی که من دهاده. هر کس جز این درباره پیغمبر با او لای‌های خدا تصور کند، نه خدا را شناخته و پیغمبرش را و نه آن ولی خدا را. (آشنایی با قرآن، ۶)

یکی از آن کنجینه‌های بزرگی که در دنیای شیعه وجود دارد، این دهام‌هاست: به نام قصه کنجینه‌ای است که معرفت. اگر ما دلیل دیگری نداشتیم غیر از دهام‌های که داریم، «علسی بن ابی‌طالب» صحیفه علویه، از زین‌العابدین^(ع) صحیفه سجادیه یا دهام‌های صحیفه، اگر ما جز دعای کمیل از علی و جز دعای ابوحمزه از علی بن الحسین نداشتیم و اسلام در چهارده قرن چیز دیگری نداشت، همین که توسط دو تن از شاگردهای اسلام، از آن دنیای بدویت و جهالت چنین دو اثری ظاهر شده، کافی است. آنقدر اینها اوج و رفعت است دارد که اصلا اعجاز جز این چیزی نیست. (آزادی معنوی)

زین‌العابدین^(ع) در دعای ابوحمزه خطاب به خداوند می‌فرماید: «یاسلانی هذا الکلال کلکله» تا آن‌توجه داشته باشیبد که درباره ایشان نوشته‌اند: «کان یصلی عامه اللیل» همه شب را به نماز می‌پرداخت. سرگی این دعا را می‌خواند. خود این دعا نمونه بزرگی از زیان‌آوری بشر است. نمونه بزرگی از بلاغت و سخنوری بشر است. در مقابل خدا می‌گوید: «ایا ما این زبان گنگ و لکنتی تو را شکر کنم؟» و السلام (تفسیر زمان، ۶)

فقر و غنا

حدیثی است در تحف العقول، از امام سجاد^(ع) فرمود: «طلَبُ الحوائج الی الناس مَذَلَّةٌ لِلِجَاهِ و مَذْهَبُهُ لِلِجَاهِ و استخفافٌ بِالْقَافِرِ و اِسْتِغْثَارٌ لِلْحَاضِرِ» دست حاجت نزد مردم دراز کردن، زندگی را بقت و سوار شدن و پیرام و آزدن را از بین می‌برد، وقار و سنگینی را کم می‌کند و همین خود فقر نقد است؛ یعنی فقر منحصر به نداشتن

قدش کشیده‌تر به نظر می‌رسد و وقتی توی بارانی گشاد و سرمه‌ای رنگش دست

و با می‌زند و سسر به زیر و آهسته‌آهسته از کنار خیابان دور می‌شیرود، به نظرم می‌آید

پدربزرگ آن جوان ساهای دانشکده را

در وجودش مشاهده می‌کنم. اکنون موهایی

سرش ریخته است اما سرش طاس نشده

است فقط پیشانی‌اش از آنچه بود بلندتر و

باشکوتر به نظر می‌آید.

یک چیزش عوض نشده است؛

بی‌نظمی و شلوغی نومی‌کشند؛ای که در

کارهای‌اش هست هنوز مثل بچه‌مدرسه‌ای‌ها

دایم دست و قلمش را می‌می‌کند؛ مثل

شاگردان دبستانی دایم دنبال یادداشت‌ها

و دفترهای گمشده‌اش می‌گردد و با

دستپاچگی و اضطرابی که همیشه در این

جستجو‌ها از خود نشان می‌دهد، حوصله

خود، حوصله من، و حوصله هر کس

را که در خانه ماست، سر به گدازه

با خود فکر می‌کنم اگر این شلوغی و

بی‌نظمی در کارش نبود، حاصل کارش

چقدر غنی‌تر و سرشارتر بود.

درباره کارهای او که در بعضی از

آنها نیز سهم کوچکی داشته‌ام، دوست

ندارم چیزی بنویسم. قصاوت در آن‌باره

کاری است که باید دیگران آنرا برعهده

بگیرند. من مورد این کار‌ها چیزی که

برای من جالب است حوصله فوق‌العاده

آنها موضوع کار اوست، زندگی می‌کند،

همه چیز را در آن‌باره می‌خواند و بررسی

می‌کند، در هرچه به او مربوط است مدتها

آنها نیز سهم کوچکی داشته‌ام، دوست

ندارم چیزی بنویسم. قصاوت در آن‌باره

کاری است که باید دیگران آنرا برعهده

بگیرند. من مورد این کار‌ها چیزی که

برای من جالب است حوصله فوق‌العاده

آنها موضوع کار اوست، زندگی می‌کند،

همه چیز را در آن‌باره می‌خواند و بررسی

می‌کند، در هرچه به او مربوط است مدتها

پول نیست (فقر یعنی نیاز، نداشتن پول، نیاز و فقر است). اظهار این نیاز‌ها هم عین فقر است. و **لله طلب الحوائج الی الناس هو الفنی الحاضر:** به هر نسبت که انسان کمتر دست حاجت پیش مردم دراز کند، به نوعی غنا و بی‌نیازی نقد

نائل شده است.

روح این جمله این است که فقر و غنا منحصر به فقر و غنای مالی نیست؛ باید توجه داشت که فقر و غنای دیگری هم در کار است و انسان نباید اشتباه کند که برای رفیع فقرساز می‌شود. خود را به فقر دیگری مبتلا کند، و باید ارزش غنای معنوی را بالاتر از ارزش غنای مالی بداند.

(تعلیم و تربیت در اسلام)

عشق و قرآن

همه اسامان‌ها و زمین و همه عالم طبیعت از نظر عارف به منزله کفی است بر روی یک دریا که آن دریا «عشق» است. حافظ می‌گوید:

رهرو منزل عشقیم و ز سرحد علم

تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم

بینیبد چقدر عالی می‌گوید! این بیت حافظ، ترجمه جملهای از اولین دعای امام سجاد^(ع) در صحیفه سجادیه است. بعد از اینکه خدا را حمد و ثنا می‌گوید، می‌فرماید:

«ابتدع بقدرته الخلق ابتدعا و اخترعه هم علی مشیته اختراعا، ثم سلك بهم طرق عباده و بعثهم علی سبیل محبته»، یعنی

خسدا ابتدا عالم را از عدم آفرید، عالم را ابداع کرد، بعد

مخلوقات را از راه محبت خود برانگیخت، حافظ هم همین

را می‌گوید. (انسان کامل)

شیر در زنجیر

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا تلاش دارد با تهدیدب اتحادیه اروپا خود را در قضیه تشدید فشار بر ایران از انزوا خارج سازد و با متقاعد کردن تهران به مذاکره مجدد، قبل از آبان‌ماه برگ برنده انتخاباتی را رو کند. به گزارش ایرانناود منطقم عملیاتی در حوزه سیاست خارجی باعث می‌شود تا فشار و تهدید دیگران بسه مهمترین ابزار قدرت‌های بزرگ برای تسخیرسود خواسته‌ها و سیاست‌ها تبدیل شد. البته این حربه نیز تنها به میزانی قابلیت استفاده دارد و در نهایت کشورهایی که تحت فشار قرار می گیرند تاب و تحمل خود را از دست می‌دهند و سرانجام سعی خواهند کرد تا حلقه‌های اسارت را پاره کنند. همانگونه که تحلیلگران در یکی دو سال اخیر بر آن تاکید داشتند دولت آمریکا در دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» راهبردی کلان و مشخصی را از دست می‌دهد و سیاست خارجی به ویژه در زمینه نوع کنش با ایران نشان نداد. کاخ سفید پس از سه بار شکست در شورای امنیت اکنون بار دیگر به آخرین اهرم فشار همیشگی خود که همان تهدید و تحریم است، متوسل شد. این بار ایالات متحده متحدان خود در آسوی آتلانتیک را به دلیل نادیده گرفتن خواسته‌های ضدایرانی واشنگتن خطاب قرار داده و تاکید کرده است اگر کشورهای اروپایی در موضوع ایران رویکرد خود را تغییر ندهند و با کاخ سفید همراهی نکنند، هدف تحریم‌های واشنگتن تلاش کرده‌اند مانع از فروپاشیسی برجام شوند اما ترامپ و نزدیکان وی چنین رویکردی را قبول ندارند. آنها تلاش می کنند در هر صورت مقاومت متقدان را در هم بشکنند.

اروپا چشم در چشم ترامپ
دولت آمریکا به تازگی اعلام کرده است اگر اتحادیه اروپا کماتکان به حمایت خود از برجام و ایستادن در برابر واشنگتن ادامه دهد، تعرفه‌های گمرکی سنگینی را بر واردات خودرو از قاره سبیز وضع خواهد کرد. خبرگزاری آلمانی «دپ» به نقل از روزنامه «واشنگتن پست» خبر تعرفه‌های تازه را منتشر کرد و افزود اینگونه به نظر می‌رسد که در صورت ادامه مخالفت بریتانیا، آلمان و فرانسه با ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا می‌خواهد بر واردات خودرو از اروپا تعرفه‌ای معادل ۲۵درصد وضع کند. این تصمیم ممکن است صدمات فراوانی را به اقتصاد کشورهای اروپایی تحمیل کند زیرا حدود یک سوم صادرات خودرو از اروپا به مقصد آمریکا انجام می‌شود که ارزش آن میلیاردها دلار است. تحلیلگر حوزه سیاست خارجی روزنامه واشنگتن پست خط مشی‌های وزارت امور خارجه آمریکا را بی‌سابقه و ناگوار می‌داندس و به همین دلیل اعتقاد دارد «مایک پومپو» بدترین عملکرد این وزارتخانه در طول تاریخ آمریکا را رقم زده است. این روزنامه تصریح می‌دارد یکی از مهمترین اقدامات این وزارتخانه خروج آمریکا از برجام بود که بسا تحریک پومپو صورت گرفت ولی هیچ دستاوردی برای کاخ سفید نداشت. این اقدام در مقابل ایالات متحده را منزوی ساخت، طبق تحلیل این روزنامه، بعد از شکست‌های پی در پی واشنگتن در شورای امنیت، به طور قطع دنیا با مهلت ۳۰ روزه آمریکا برای (اجرای مکانیسم ماشه) بازگرداندن دوباره تحریم ایران نیز همراهی نخواهد کرد و این به مفهوم انزوی بیشتر واشنگتن خواهد بود.

وکیل سابق «دونالد ترامپ» گفت که معتقد است رئیس سابقش هر کاری را انجام خواهد داد تا در انتخابات بار دیگر پیروز شود و حتی باید به آن واکنش نشان دهد؟ پراساس این گزارش تاکنون تحریم‌های کاخ سفید علیه ایران ضررهای هنگفتی را به شرکت‌های اروپایی و آمریکایی وارد کرده‌است، با اینکه چنین رویه‌ای تاثیر معکوس داشته اما کاخ سفید هنوز بر موضع خود پافشاری می‌کند. این اقدامات اما به هیچ عنوان مانع حرکت ایران و قدرت منطقه‌ای آن نشده است.این روزنامه مطرح بریتانیایی در زمینه تهدیدهای ترامپ علیه اروپایی‌ها تصریح کرد: اروپا تازمانی که سیاست مستقلی را در پیش نگیرد نمی‌تواند مانع بی‌اعتباری خود به عنوان یک بازیگر بزرگ جهانی شود. اروپایی‌ها باید کنار یکدیگر بایستند و انگلستان هم نباید با فاصله گرفتن از رویکرد سیاسی آنها فاجعه‌ای را ایجاد کند.

روابط بین‌الملل

هشدار داد و از کنگره خواست تصمیمی در مدت‌هاست تلاش‌هایی را برای تشکیک در نتیجه نهایی انتخابات آغاز کرده است. ترامپ برای ماندن در قدرت از به راه انداختن جنگ هم ابایی هم ندارد در مصاحبه اختصاصی کوهن با شبکه «ان‌بی‌سی نیوز» از او درباره توتیر نوشت: «با برگزاری رأی‌گیری‌ها به صورت پستی (نه رأی‌گیری غیابی که خوب است)، احتمال پیروزی ترامپ در انتخابات ماه نوامبر این کشور سوال شد، کوهن در جواب گفت: خوب، دونالد ترامپ هر کاری و همه کاری را برای برنده شدن خواهد کرد، و من معتقدم این مسئله دستکاری در آرا را هم شامل می‌شود.

روابط بین‌الملل

زمینه را دوجناب کرده است. آمریکا پس از تلاش‌های دیپلماتیک بسیار ۲۵مرداد ماه گذشته پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران که طبق برجام در ۲۷مهرماه مه‌ا نوامبر میان ترامپ و رقیبش اثر بگذراند.
منجر می‌شوداو به عنوان مثال ماه پیش در توتیر نوشت: «با برگزاری رأی‌دهی پستی، امتناع کانداپها از پذیرش نتیجه انتخابات و مسائل دیگر، نظام انتخاباتی آمریکا از جمله عواملی هستند که در این گزارش درباره آنها ابراز پنجشنبه ششم شهریور در یک پیام توییتری نگرانی شده است.

اخبار کوتاه داخلی

سرپرست فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی معرفی شد

وزارت ورزش و جوانان شهزاد کبانی را به عنوان سرپرست جدید فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی معرفی کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، پس از استعفاي مازیار ناظمی از سرپرستی فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی به علت ثبت نام در انتخابات ریاست این فدراسیون، مسعود سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان شهزاد کبانی را به عنوان سرپرست جدید فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی معرفی کرد.

گفتنی است که شهزاد کبانی ۱۲ سال است به عنوان دبیرکل فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی فعالیت می کند و سوابقی چون مدیریت تربیت بدنی شمیرانات، معاونت اداره کل تربیت بدنی استان‌های ایلام و تهران، مدیریت تربیت بدنی شمیرانات و سرپرستی باشگاه پیکان را در پرورده کاری و حرفه ای مدیریتی خود دارد.

طالقانی: یقین دارم که بنا برمی گردد

عضو هیات رئیسه فدراسیون کشتی در خصوص برگزاری جلسه فدراسیون برای بازگرداندن محمد بنسا گفت: این کار به زودی انجام خواهد شد و یقین دارم که بنا دوباره برمی گردد.

محمدرضا طالقانی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: استعفا بنا به شخصیتی و نه برای خودش نبود، بلکه همه دغلغه او برای کشتی است. الان نزدیک برگزاری بازی‌های المپیک توکیو هستیم و همه کارشناسان می دانند که هر قدر کمتر کار کنیم ضرر می کنیم و بنا که این مشکل را می داند ، می گوید اردو نباید قطع شود و مسئولان فدراسیون هم تاکید دارند که مدت اردوها در این شرایط باید ۴ روز باشد . به همین دلیل هم این مشکل به وجود آمده است.

سعید معروف بازیکن آزاد اعلام شد

کاپیتان تیم ملی والیبال ایران به احتمال فراوان فصل آینده در اروپا توب خواهد زد.

به گزارش خبرگزاری فارس، فدراسیون والیبال چین تصمیم گرفت تا لیگ این کشور بدون حضور بازیکنان خارجی آغاز شود. به این ترتیب بازیکنانی که با تیم‌های چینی قرارداد امضا کرده بودند در حال حاضر به عنوان بازیکن آزاد شناخته

می شوند.ستاره‌هایی همچون مت اندرسون، اوروس کواچویچ، سعید معروف و تین اورناتوف نگرانی هستند که به عنوان بازیکن آزاد اعلام شده‌اند و فصل پیش‌رو را در لیگی غیر از چین سپری خواهند کرد.

گفتنی است که سعید معروف، کاپیتان تیم ملی والیبال ایران با چند پیشنهاد از لیگ‌های معتبر اروپایی روبرو است بنابراین باید منتظر توافق احتمالی او با یکی از این باشگاه ها بود.

لیگ کشتی از ۱۰ مهر آغاز می شود

پس از برگزاری جلسه مسئولان فدراسیون کشتی و سازمان لیگ، مقرر شد تا رقابت‌های لیگ کشتی از ۱۰ مهر آغاز شود. به گزارش ایسنا، بر این اساس رقابت های لیگ کشتی آزاد از دهم مهر آغاز می شود و قرار است لیگ کشتی فرنگی نیز به احتمال زیاد به فاصله یکی دو روز با این مسابقات، آغاز شود.

از طرفی اتحادیه جهانی کشتی دهم مهر در خصوص برگزاری یا عدم برگزاری رقابت های قهرمانی بزرگسالان جهان تصمیم گیری می کند. و در صورتی که قرار باشد این مسابقات برگزار شود، فدراسیون کشتی ریکا رقابت های لیگ را طی چند روز به انجام خواهد رساند.

هر کلام از نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا

در شرایط متفاوتی به مصاف حریفان می‌روند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا بعد از وقفه طولانی به خاطر شیوع ویروس کرونا از امروزبه صورت متمرکز در دوحه قطر آغاز می شود و چهار نماینده کشورمان باید به مصاف حریفانشان بروند.



تیم فوتبال پرسپولیس قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران در حالی پا به مسابقات لیگ قهرمانان آسیا می گذارد که این روزها شرایط خوبی ندارد و مدیران باشگاه سرگرم تهیه مطالبات برانکو هستند تا مانع محرومیت نقل و انتقالاتی این تیم شوند.البته علیرضا بیرانوند، مهدی تریایی و علی علویور هم از این تیم جدا شده اند و شاید نبود این بازیکنان در آسیا به ضرر شاگردان گل محمدی تمام شود. البته مدیران پرسپولیس هفت بازیکن را در فصل نقل و انتقالات به خدمت گرفتند، اما هواداران نگران وضعیت تیم خود هستند.تیم پرسپولیس در گروه Cلیگ قهرمانان آسیا ۲ بازی انجام داده که حاصل آن یک شکست و سه تساوی بوده است.

در مجموع ۸ بازی در گروه Cلیگ قهرمانان آسیا باقی مانده است که پرسپولیس در ۴ بازی باقی مانده باید به ترتیب به مصاف تیمهای التعاون عربستان (۲ بازی رفت و برگشت)، الدحیل و شارجه امارات یک شکست و سه تساوی بوده است. Cلیگ قهرمانان آسیا باقی مانده است که پرسپولیس در ۴ بازی باقی مانده باید به ترتیب به مصاف تیمهای التعاون عربستان (۲ بازی رفت و برگشت)، الدحیل و شارجه امارات یک شکست و سه تساوی بوده است. Cلیگ قهرمانان آسیا باقی مانده است که پرسپولیس در ۴ بازی باقی مانده باید به ترتیب به مصاف تیمهای التعاون عربستان (۲ بازی رفت و برگشت)، الدحیل و شارجه امارات یک شکست و سه تساوی بوده است.

ایسن کمکاها از فروش مدال قهرمانان المپیک، کمک خیرین و سازمان‌های مردم نهاد در قالب بسته‌های غذایی تهیه و در اختیار اقشار ضعیف جامعه قرار خواهد گرفت. قمرالداد امضا کرده بودند در حال حاضر به عنوان بازیکن آزاد شناخته می شوند.ستاره‌هایی همچون مت اندرسون، اوروس کواچویچ، سعید معروف و تین اورناتوف نگرانی هستند که به عنوان بازیکن آزاد اعلام شده‌اند و فصل پیش‌رو را در لیگی غیر از چین سپری خواهند کرد.

گفتنی است که سعید معروف، کاپیتان تیم ملی والیبال ایران با چند پیشنهاد از لیگ‌های معتبر اروپایی روبرو است بنابراین باید منتظر توافق احتمالی او با یکی از این باشگاه ها بود.

این رقابت‌ها است.

بررسی شرایط صعود پرسپولیس در گروهش به علت اینکه ۸ بازی دیگر باقی مانده، سخت است اما این تیم در صورتی که می‌خواهد از گروه خود صعود کند باید با کسب امتیاز کامل برابر حریف عربستانی در ۲ بازی رفت و برگشت جبران مافات کند و رتبه خود را در جدول رده بندی ارتقا بدهد. البته سرخپوشان اسمال کار دشواری برای دفاع از حیثیت فوتبال کشورمان در آسیا دارند، اما آن‌ها قصد دارند نشان بدهند که نایب قهرمانی آنها در آسیا تصادفی نبوده و با همه توان خود در این رقابت‌ها شرکت می‌کنند.

اما استقلال هم در حالی چند روز دیگر کار خود را در لیگ قهرمانان آسیا شروع می‌کند که وضعیت خوبی ندارند و در لیگ برتر فوتبال و جام حذفی نتوانستند قهرمان شوند. مدیران استقلال قصد دارند استراماچونی مربی ایتالیایی را دوباره به تیم خود بازگردانند، اما قانون منع ورود خارجی‌ها مانع از حضور این مربی ایتالیایی روی نیمکت فنی استقلال‌ها شده است.



تیم استقلال در گروه Aلیگ قهرمانان آسیا در ۲ بازی یک تساوی و یک باخت کسب کرده است و در حال حاضر با یک امتیاز در رتبه سوم جدول رده بندی گروه Aقرار دارد.حالا با توجه به انصراف الوحده امارات کار آبی پوششان تا حدی برای صعود راحت‌تر

ریمیعی در رزمایش کمک مومنانه و همت پهلوانان:

دولت مانند ورزشکاران در حال تلاش برای مهار وزن نه سخت مشکلات است

سخت مشکلات است و باید راهگشایی لازم را انجام دهم.

وی تاکید کرد:دولت سعی کرده مشکلات ورزش را تا اندازه‌ای که در توانش بوده است به لحاظ تأثیری که در جامعه دارد حل کند. آمریکا فشار زیادی را برای انزوای ایران وارد کرده است و بخشی از این انزوا را به سمت ورزش برده است و فشار زیادی را به جامعه می‌مالی می‌آورد و خیلی از مجامعی که سیاست زدگی را از تصمیمات جهانی تأثیر می‌گیرد و ورزش ایران دور کنند و دولت تلاش می‌کند چه در بعد داخلی چه در بعد خارجی به

وجود دارد، سلب‌ریتی‌ها ارزش خود دارند اما قهرمانان از جانب دیگر هستند. هیچ دودهای مثل امروز، مردم نیاز به همراهی ندارند، رهبر معظم انقلاب بر حسن‌بین واقعی جامعه کمک مومنانه را طرح کردند و امروز به یک پوشش بزرگ تبدیل شده، پوششی که سنت دینی ما بود و الان به ترویج جمعیتی تبدیل شده است.

سخنگوی دولت با بیان این که مسیر ورزشکاران امروز درست است، تصریح کرد که تحریم، زندگی را سخت کرده و دولت مانند شما ورزشکاران در حال تلاش برای مهار وزن

چگونگی صعودنمایندگان فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا

شده است، اما آن‌ها یک بازی سرنوشت ساز برابر الاهلی عربستان دارند. استقلال‌ها ۲ بار قهرمان آسیا شده اند و قصد دارند با همه توان خود به مصاف حریفان آسیایی بروند تا از اعتبار فوتبال ایران دفاع کنند.



سپاهان دیگر نماینده کشورمان در حالی از فردا کار خود را در لیگ قهرمان آسیا شروع می‌کند که در لیگ برتر و جام حذفی نتوانستت توفیقی به دست آورد و در نهایت ابرقمعه نوینی از هدایت طلایی پوشان کناره گیری کرد.تیم سپاهان در گروه Dلیگ قهرمانان آسیا ۲ بازی یک برد و یک شکست به دست آورده است در صورت صعود تیم باید به ترتیب به مصاف تیم‌های النصرعربستان (۲ بازی رفت و برگشت)، العین امارات و السد قطر برود. سپاهانی اما اگر قصد دارند از گروه خود صعود کنند باید در ۲ بازی رفت و برگشت برابر النصر عربستان امتیازات کامل را بدست آورند و با برتری برابر حریف ، شانس خود را برای صعود به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا افزایش دهند.

این تیم بعد از ناکامی در کسب قهرمانی در لیگ

برتر فوتبال و جام حذفی، تجربیاتی در مدیریت و کادر فنی خود ایجاد کرد و ساکت به عنوان مدیرعامل باشگاه نویدکیا به عنوان سرمربی طلایی پوشان انتخاب شدند. نویدکیا مادرک میریگری Aاسیا را ندارد به همین دلیل تسکیرا مربی پرتغالی به نویدکیا در آسیا کمک می‌کند.

صورت مذهب هدایت تیم استقلال را در لیگ قهرمانان آسیا برعهده گرفت و آبی پوشان برخلاف رقیب سنتی خود نتوانستند شاکله اصلی تیم را حفظ کرده و با همه توان به مصاف حریفان آسیایی می‌روند. دیاباته، قایدی و مهریری خط حمله استقلال را تشکیل می‌دهند.



دیگر نماینده کشورمان یعنی شهر خودرو هم در حالی وارد لیگ قهرمانان آسیا می‌شود که در لیگ برتر نتوانست سهمیه فصل بعد را کسب کند و سید مهدی رحمتی دروازه بان این تیم به تصمیم مالک باشگاه به عنوان سرمربی انتخاب شد و جای سهراب بخیتاری را زاده از روی نیمکت فنی گرفت. رحمتی می‌خواهد در اولین تجربه سرمربیگری، جواب اعتماد مدیران باشگاه را به خوبی بدهد، اما تیمش کار سختی در آسیا دارد. تیم شهر خودرو در گروه Bلیگ قهرمانان آسیا در ۲ بازی ۲ شکست متحمل شده است و در حال حاضر بدون امتیاز در انتهای جدول گروه قرار دارد و اگر بتواند ۴ بازی پیش روی خود را ببرد و حریفانش امتیاز را دست بدهند، شاید روزنه امیدیهی برای صعود این تیم پیدا شود. تیم شهر خودرو به ترتیب باید به مصاف تیم‌های شباب الاهلی امارات (۲ بازی رفت و برگشت)، الهلال عربستان و یاختاکور ازبکستان برود.

قهرمان شکست ناپذیر مبارزه علیه نژادپرستی با ۷ ماسک



زائبی به همین منظور ۷ ماسک را آماده کرده است که نام افرادی که در سال ۲۰۲۰ به دلیل شلیک گلوله پلیس آمریکا کشته شده اند روی دومین گرند اسلم سال گفت» «ایلدومارتا قاتیلان صعود کنند تا همه ماسک ها را ببینند»

یکی از سوال های مهمی که هنگام اهدای جام از بانوی شماره ۹ جهان پرسیده شد درباره «هفت ماسک و هفت اسم» بود. اوساکا اظهار کرد: تنها هدفم این بود که مردم دوباره درباره این موضوع شروع به صحبت کنند»

پیش از این ترتیب بانوی شماره ۹ جهان که پلیس با سیاه‌پوستان حالش را در گفتش حدود دو ماه به نتیجه رسید و فیفا اعلام کرد که از قانون جدید خود صرف‌نظر می کند و در صورتی که این کشور استفاده همرنگ لباس و محافظ ها را وجود نداشته باشد، دروازه بان ها می توانند از محافظ سفید و سفید و سفید استفاده کنند.

هدف خود در این آمریکا دست یابد.

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد. تنیسور

فعال در مبارزه با نژاد پرستی نشان داد.



۴۵۷ فصلنامه اجتماعی روزنامه اطلاعات

دو شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ (سال شص و پنجم - شماره ۲۷۶۵۲)

تظاهرهای نوظهور



زیرگذر اینترنت

می دانم به کجای قلبت شلیک کرده‌ام

میدان مشق



• ارمان زمان فثمی

عشق را از پستوی خانه بیرون باید آورد!

«از آن ترس که های و هو دارد، از آن ترس که سر به تو دارد!»
چه موقع خردمان را آن قدر در هزارتوی روح و روانمان گم کردیم که چنین هشدارهایی لازم شد؟ چرا ترس‌هایمان را پشت هیاهو و شیطنتهایمان را پشت سکوت پنهان کردیم تا کسی نتواند از ظاهرمان پی به آشفتگی درونمان ببرد؟ چرا خردمان نبودیم و نیستیم، درحالی که آسان‌ترین شیوه بودن، همین است؟
وقتی خردمان نیستیم، نه تنها روح خردمان را می‌خراشیم و آزار می‌دهیم، بلکه دیگران را هم سردرگم می‌کنیم. تکلیفمان نه با خردمان روشن است، نه با دیگران. در این شرایط اصلا چطور می‌توانیم با کسی ارتباط سازنده برقرار کنیم و به چیزی باور داشته باشیم؟

نه فقط تظاهر به خوب بودن، که گاه تظاهر می‌کنیم به بد بودن. هر جا می‌بینیم جماعت، رنگ دیگری دارد، هم رنگ آن‌ها می‌شویم یا تظاهر می‌کنیم که هم رنگشان هستیم. خردمان را در همین «خردمان نبودن‌ها» گم کرده‌ایم.
کجای راه را اشتباه رفتیم که تظاهر به آن چه واقعا نیستیم، تبدیل به یک فضیلت شده است؟ آن قدر این رفتار همه‌جا تکرار شده که دیگر کسی نمی‌تواند راحت به دیگران اعتماد کند. معلوم نیست آن که جای مهر بر پیشانی دارد آدم خوبی است یا آن که لبخند بر لب دارد یا آن که دم از دوستی و همکاری می‌زند؟

شاید وقت آن رسیده باشد که به پستو برویم و عشقی را که پنهان کرده‌ایم بیرون بیاوریم، با دستمال، بر قش بیندازیم و دوباره آن را سر تاقچه دل‌هایمان بگذاریم. شاید باید روحمان را جلا بدهیم تا دوباره شکل گذشته‌ها شود، روزهایی که بی‌هیاهو عشق می‌ورزیدیم و بی‌شیطنته پیش می‌رفتیم و بی‌تظاهر کمک می‌کردیم.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.

Email: jameettelaat@gmail.com

تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰

با جستجوی کلیدواژه «تظاهر»، سیلی از درددل‌های کاربران توییتر که دلشان از دورویی‌ها و دورنگی‌ها پر است، به صفحه سرازیر می‌شود. «رضا موسوی» نوشته: «تعصب، افراط و تظاهر... این‌ها را در هر کسی دیدید، بدانید که بدون شک در عمرش یک خط هم مطالعه نداشته. «رومیا» از اطرافیان‌ش شاکی است: «واقعا اگر تظاهر را از ۹۹ درصد آدم‌هایی که می‌شناسم بگیرند، آن‌ها دیگر هیچ چیز ندارند.»
چند کاربر این مطلب را به اشتراک گذاشته‌اند: «میان این همه نامردی، باید شیطان را تحسین کرد که دروغ نگفت. چهنم را به‌جان خرید اما تظاهر به دوست داشتن آدم نکرد!»
اما «پانتیه‌آ» عقیده دارد: «کسی که تظاهر به آرامش می‌کند حالش از همه خراب‌تر است.»
«نگار» پرسیده: «این موضوع تظاهر به بی‌دینی و بی‌اعتقادی از کی حمل بر باکالاسی شد؟»
«سعد رمضانعلی» هشدار داده: «مراقب باشید، بعضی‌ها برای زمین زدن شما تمام تلاش خود را می‌کنند ولی در مقابل چشمان شما تظاهر به کمک کردن می‌کنند.»
«بلان» گفته: «هر چه بیشتر با تظاهر چیزی به‌دست بیاوری در حقیقت به همان اندازه از دست داده‌ای!»
«هور کو» نوشته: «تظاهر کردن به چیزی که نیستید، از بدترین حالت خودتان بدتر است.»
«لئونیکلاویچ» گفته: «یکی از رفتارهای آزاردهنده که خیلی هم در ایران رایج شده، تواضع ریاکارانه است؛ آن‌جایی که طرف خودش را متواضع نشان می‌دهد برای سوءاستفاده کردن یا رسیدن به هدفی. به‌شخصه با این که طرف مقابلم به داشته‌هایش مفتخر باشد هیچ مشکلی ندارم ولی تظاهر به تواضع واقعا نفرت‌انگیز است.»
«هرمیت» نوشته: «زمانی به خودم آمدم که داشتم بین عادت و تظاهر دست و پا می‌زد. به عقب برگشتم و فهمیدم که خودم را بین تمام عادت‌ها و تظاهر به خوب بودن‌ها گم کردم.»
«ایمارا» عقیده دارد: «ما در پنهان کردن احساساتمان و تظاهر به این که چیزی نشده، خیلی استعداد داریم.»



«تک سلولی بدون کلروفیل» با به‌اشتراک گذاشتن این عکس نوشته: «برج تلویزیونی که تظاهر می‌کند یوفو (بشقاب پرند) است!»
بعضی‌ها نگاه دیگری به این مقوله دارند، مثل «آنه» که گفته: «وقت‌هایی که تظاهر به قوی بودن می‌کنی از همیشه شکننده‌تری.»
کاربری با نام مستعار «مفسد فی الارض» هم نوشته: «تظاهر کردن خیلی خوب است، مثلا الان من خیلی وقت است که دارم تظاهر می‌کنم زنده‌ام.»

«مهلا فرزادپور» نوشته: «این راز یک پایان خوش است، تو فقط تظاهر کن که خوشحالی و بالاخره دیگر یادت می‌رود که داری تظاهر می‌کنی!»
کاربری با نام مستعار «عزیزشونم» معتقد است: «ما همه یک‌جور دورویی یا تضاد ذاتی درونمان داریم: هم به سوی دیگران می‌کشمان، چرا که به آن‌ها نیاز داریم، و هم ما را از دیگران دور می‌کند، چون که به دور بودن از آن‌ها هم نیاز داریم و می‌خواهیم گاهی تنها بمانیم.»
«سعید ارکان‌زاده» به یکی از انواع تظاهر که در سال‌های اخیر بین ما ایرانی‌ها شدت گرفته اشاره کرده: «کتاب خواندن کاری طبیعی است اما در جامعه ایران که کتاب‌خوانی به هزار علت چندان رواج ندارد، کتاب خواندن کار خارق‌العاده‌ای جلوه می‌کند. گاهی هم تبدیل می‌شود -نه بین همه- به اسباب تفاخر و تشخص، مخصوصا این روزها که سهم کتاب را وب‌سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی کمتر کرده‌اند، خواندن کتاب گاهی تبدیل شده است به فضیلتی که گویی فرد حاملش را تبدیل می‌کند به آدمی فاضل و متشخص، مستثنا از عوام. و چون افراد نمی‌خواهند از عوام باشند، باید هر چه بیش‌تر نشان دهند با کتاب دم‌خورند. جسم کتاب تبدیل می‌شود به یک شیء مقدس با هاله‌ای ماورایی که گویی مغناطیسی دارد که هر کس آن را می‌گشاید یا در دست می‌گیرد یا از بازار می‌خرد، افکارش نظم می‌گیرد و درهای شعور و خرد به رویش باز می‌شود. نتیجه بت‌سازی و برخورد احساسی اغراق‌آمیز با کتاب و کتاب‌خوانی می‌شود این که مدام شعار بدهیم آخ که چه عاشق کتابیم و بی‌شک بهترین هدیه‌ها کتاب است، یا عکس‌های کتاب را در کنار فنجان قهوه و روی پارچه ترمه به اشتراک بگذاریم یا دو جمله از آن را جایی کپی کنیم. اما چون مدام دگرگون می‌شووند، مُد جدیدتر این است که به‌جای بت‌سازی از جسم کتاب، از روح کتاب -از آن هاله و ماوراء- بت بسازیم و بگوییم کتاب‌خوان «واقعی» کسی است که «معنا»ی کتاب را دریابد و به کار بندد و بدیهی است که ما قاطعا جزو آن واقعی‌هاییم. اینجاست که کتاب‌خانه‌های امثال ایران مال -که به‌دست نوکیسه‌های جوجه‌رنگ‌کن ساخته شده‌می‌شوند مظهر عوام‌زدگی، فضیلت جدید، فحش دادن و تحقیر این کتاب‌خانه‌ها و سلفی‌گیرندگان با آن‌هاست. غافل از این که آن طفلک سلفی‌گیر خلاقیت کمتری در تمارض داشته، و گرنه سررشته کرباس معلوم است. دور باطل ادامه خواهد یافت، فحش‌ها و اداهای جدیدتر خواهد آمد و کم‌کم خود کتاب و کتاب‌خوانی -این عمل ساده انسانی- در هیاهو گم می‌شود، بدل می‌شود به بازیچه دست کاسبان کیسه‌پرکن یا فحاشان یا فروشنده‌های حسرت آن‌چه نداریم و با تمایزی فاضل‌ماب می‌خواهیم پر کنیم. بسیاری از آدم‌های این کره خاکی قرن‌هاست که کتاب می‌خوانند. می‌توان کنجی نشست و کتاب خواند، بدون این که همه‌جا «کتابا کتابا» یا «لا کتابا لا کتابا» کرد. خیلی خوب است که آدم با کتاب انس و الفتی عمیق و شخصی داشته باشد تا زندگی‌اش را بسازد، اما مابقی این بازی‌ها دیگر کف روی آب است. خواندن کتاب لزوماً نه شعور می‌آورد و نه تعقل و بزرگی. کتاب نخواندن هم ضرورتا نافی صفا و معرفت نیست. از قضا چه آشنایند کتاب‌خوان‌ها و عشاق کتابی که در اندرونی و خفا تهی‌اند از شعور و انسانیت. کتاب وسیله است، بهترین وسیله، اما جادو و شعبده نیست، چوبی هم برای توی سر زدن نیست.»
حسن ختام این مطلب، شعر عاشقانه‌ای از «افشین یداله‌ی» است که «سیام» به اشتراک گذاشته:

«تا آخر عمر
در گیر من خواهی بود
و تظاهر می‌کنی که نیستی
مقایسه تو را از پا در خواهد آورد
من می‌دانم به کجای قلبت شلیک کرده‌ام
تو دیگر خوب نخواهی شد.»

تماشاخانه



● نگذار که در میان آهن و دود گم شوی
خودت را پیدا کن!

بوی جنون ورذالت



● مرضیه سلیمانی

کلافه و سردرد گم بودم. انگار راهی را تا نیمه به اشتباه رفته باشم اما راه درست را هم بلد نباشم. نوعی مه غلیظ در اطرافم بود که نمی گذاشت جلوی پایم را ببینم. اما راستش را بخواهید، بعضی وقت‌ها از غوطه‌ور شدن در آن مه و از آن گیجی و گنگی خوشم می‌آمد. هرروز صبح زود ترجمه می‌کردم و اگر قرار بود مقاله‌ای یا یادداشتی برای جایی بنویسم می‌نوشتم و بعد، تمام روز را یک جا دراز می‌کشیدم و به سقف چشم می‌دوختم. گاهی سیگار می‌کشیدم و روزها تا حوالی غروب به همین نحو سپری می‌شد. بعد با کاهلی و آشفتگی بلند می‌شدم و می‌رفتم. نیم کیلو از شیرینی محبوبم را می‌خریدم و در عرض نیم ساعت دخلش را می‌آوردم.

بی‌انگیزه، مضطرب، بدخواب، با اشتیهای نامتعادل، خالی از اعتماد به نفس، با اضافه وزنی عجیب و غریب، درگیر کابوس‌های شبانه، آشفته و بدون هر گونه علاقه به هر چیز یا هر کسی، ساز زدن را هم کنار گذاشته بودم. نوشتن را به زحمت و صرفا برای حق التحریر پی می‌گرفتم و قادر به تصمیم‌گیری نبودم. مسافرت هم دردی از من دوا نکرد و وقتی پای دردهای بی‌دلیل به زندگی‌ام باز شد، بالاخره پذیرفتم که افسرده‌ام. این بود که با دوستی روان‌پزشک قرار گذاشتم و درمان دارویی را شروع کردم.

شب یلداي آن سال به اتفاق عده زیادی از دوستان، دورهم جمع شده بودیم. میزبانان مهربان و صمیمی، در آداب پذیرایی سنگ تمام گذاشته بودند. یکی دو سالی از مصرف قرص‌هایم گذشته بود. دکترم می‌گفت حداقل سه‌سال باید دارو مصرف کنم تا نشانه‌های بهبودی کم‌کم ظاهر شوند. و من با ترس و دلهره، برای شرکت در هر جمعی، گشادترین لباس‌ها را به تن می‌کردم تا چاقی و اضافه وزنم بیش‌تر توی چشم نباشد.

او را همراهی کنم. می‌گفت مامان دواي درد تو ورزش است، اما من در انتظاری بی‌پایان، درحالی که شب و روزم را گم کرده بودم، از زندگی دل بریده بودم. با یک نگاه حرفم را خواند. دوباره دستم را در دست گرفت و لبخندی زد.

دلیلش ترس بود یا اشتیاق، غم یا شرمساری، نمی‌دانم. آن شب تا صبح نخوابیدم و اول روز به اتفاق دخترم کیان روانه باشگاه شدیم. فضای بسته یک زیرزمین قدیمی با حضور آدم‌های جورواجور که مرا ورنده می‌کردند و می‌خواستند سر صحبت را باز کنند، دلیل قانع‌کننده‌ای بود که فوراً آن‌جا را ترک کنم اما نگاه مهربان و خواهشگرانه کیان مانع شد. ماندم و با دست و دل لرزان ثبت‌نام کردم. این آغاز ماجرا بود.

ساده‌ترین تمرین‌ها کوهی از عذاب بود. بعد از یکی دو هفته انگار از خوابی سنگین بیدار شدم. همان زمان به گیاهخواری و فواید آن فکر می‌کردم. به‌اندازه کافی در این زمینه مطالعه کرده بودم و سود و زیانش را می‌دانستم. آماده می‌شدم که مبارزهای طولانی را شروع کنم و حتم داشتم که نتیجه مبارزه هرچه باشد، به آرامش و صلح ختم می‌شود. با این فکرها، خام گیاهخواری را شروع و به تدریج مقدار داروها را کم کردم. ماه اول به‌سختی گذشت اما در پایان، وقتی وزن و سایز قابل توجهی کم کردم و مقدار مصرف قرص‌ها به صفر رسید، غبارهای نشسته بر ذهنم کمتر شد.

اما هنوز نمی‌توانستم بخوابم. در مورد همه چیز تردید داشتم. از ورزش علمی و اصولی چیزی نمی‌دانستم. خانم مربی باشگاه هم دست کمی از من نداشت. کارش افشاح بود. هرچند روز یک‌بار، مینیسک یک نفر پاره می‌شد، کمر دیگری آسیب می‌دید یا مچ دستش از جادرمی‌رفت. شروع کردم کتاب‌ها و مقالات مرتبط با بدنسازی را از زبان اصلی و از بای بسم‌الله خواندم. روزهای سخت و هیجان‌انگیزی بود. من که در تمام عمرم فقط با علوم انسانی و اجتماعی سرو کار داشتم، حالا ریاضی، آناتومی، تغذیه، روش‌های تمرین، رویکرد ورزش به انواع بیماری‌ها، امدادگری، تفاوت



ورزش‌های قدرتی یا کششی و هوازی و خیلی دیگر از مباحث جالب را می‌خواندم و حتی در مورد هورمون‌ها و مکمل‌های ورزشی می‌آموختم. نتیجه این که در پایان هفتمین ماه، بی‌هیچ دارو و دکتری ۴۱ کیلو وزن کم کرده بودم، بدون این که ذره‌ای از پوست و مو یا اندام‌های درونی‌ام آسیب دیده باشد. زیر و بم بدنسازی را می‌دانستم و با شکیب و نظم حیرت‌انگیز جسم و روحم در آسمان‌ها پرواز می‌کردم.

کسانی که طی این مدت من را ندیده بودند، دو دسته بودند. ۹۰ درصد آن‌ها در کمال صراحت انکارم کردند و به یکدیگر اطمینان دادند که این کار تنها با عمل جراحی امکان‌پذیر است و پس. درعین حال از انواع و اقسام خرده‌گیری کم نگذاشتند. دسته دوم که کم و بیش از جریان زندگی‌ام خبر داشتند، در پی کشف رازی بودند که فکر می‌کردند من بدان دست پیدا

کرده‌ام. و البته گروه کوچکی -متشکل از همسر و دخترم- هم بود که با حمایت و همدلی با من گام بر می‌داشت و حتی یک‌بار در تصمیم‌گیری‌هایم و به اجرا گذاشتن آن‌ها تردید نکرد.

باشگاهی که من به‌مدت چهارسال، هر روز در آن تمرین می‌کردم، آکنده از حرف و حدیث بود. برای من البته طی کردن آن مسیر و زندگی در آن روزها، حکم سیرو سلوک داشت. مسئول آن باشگاه، خانم مربی، ذره‌ای سواد ورزشی و حتی غیر ورزشی نداشت. تنها به لطف آقای دوست بدنسازش، مربی آن‌جا بود. خانم‌های زیادی تعیین تکلیف بدن‌نازنینشان را به او سپرده بودند و او برنامه‌های تمرینی را از جناب دوستش می‌گرفت و به‌خورد آن‌ها می‌داد. رژیم‌های من در آوردی و خطرناک و تمرین‌های بی‌حاصل و الفاظ زشت و تحقیرآمیز تنها بخشی از ندانم‌کاری‌های او بود. در همان ایام من در امتحانات چندگانه مربیگری شرکت کردم و با قدرت در آزمون‌های تئوری و عملی قبول شدم اما به هزار و یک دلیل از علنی کردنش در باشگاه خودداری کردم. هم‌باشگاهی‌های من اما انگار بویی از ماجرا برده بودند، چون مرتب در مورد تمرین و تغذیه از من سؤال می‌پرسیدند و کمک می‌خواستند. در نظر آن‌ها من طلسمی را شکسته بودم که فکر می‌کردند هیچ‌وقت شکسته نخواهد شد.

من هرآن‌چه را که بلد بودم به آن‌ها می‌آموختم، غافل از این که با این کار، بازار خانم مربی را کساد کرده‌ام. کار بیخ پیدا کرده بود و زمانی به اوج خود رسید که به‌طور اتفاقی فهمیدم دختران جوان تازه‌وارد چربی‌هایشان را به سرعت از دست می‌دهند و عضله‌هایشان هرروز برجسته‌تر می‌شود. وقتی نازی -یکی از دخترها به سراغم آمد و از بم‌شدن صدا و پرمو شدن صورتش برایم حرف زد، دانستم که پای تزریق انواع هورمون در کار است. چندروزی با خودم درگیر بودم. تصمیم نهایی را گرفتم. دخترها را جمع کردم و طی یک سخنرانی پرشور در مورد تزریق‌های خطرناک و فرق آن‌ها با مکمل غذایی حرف زدم. از دلایل‌های کثیفی مثل ممد کول نازی‌آبادی یا شهرام خروس برایشان صحبت کردم و گفتم حتی برای تهیه مکمل غذایی و گرفتن برنامه تمرین و تغذیه به اهلهش رجوع کنند. نتیجه این کارها و کینه مربی و ترک آن باشگاه، پیشاپیش روشن بود.

طی دو سال بعدی چندین و چند باشگاه را امتحان کردم. یک روز لابه‌لای جزوه‌های دوره مربیگری، به شماره تلفن یکی از بزرگ‌ترین مربی‌های بدنسازی برخورد. قهرمان رشته فیتنس بود. مدال طلا داشت. بدنسازان زیادی زیر دستش تربیت شده و در داخل و خارج از کشور به قهرمانی رسیده بودند. اما جدا از همه این‌ها معروف بود که از هیچ دارو و هورمونی استفاده نمی‌کند و به شاگردانش هم نمی‌دهد. دیو خفته درونم بیدار شد. می‌خواستم مدتی با او کار کنم. هم علمم زیاد می‌شد، هم تجربه‌ام و هم سابقه کاری‌ام درخشان‌تر. این بود که فوراً با او تماس گرفتم.

دفترش درواقع یکی از اتاق‌های کلینیک زیبایی معروفی در میرداماد بود. همان اول کار وقتی برگه تحلیل عناصر بدن از جمله چربی و پروتئین را نشانم دادم لبخندی زد. گفت: بدون هورمون که نمی‌شود. بین خودمان باشد، خود من هم با تزریق قهرمان شدم. اما نگران نباش، اگر از خودم خرید کنی، کیفیت آمپول‌ها را تأیید می‌کنم. خیلی آرام، طوری که خودم هم به‌سختی می‌شنیدم فقط گفتم: نه. اما او ادامه داد: دختر خوب! تو فکر می‌کنی کلینیک‌های زیبایی برای چه درست شده‌اند؟ تو به چند عمل زیبایی نیاز داری. خیالت راحت، برایت تخفیف حسابی هم می‌گیرم. بغض کردم. سری تکان دادم و تندتند مشغول جمع کردن برگه‌هایم شدم. داشتم از آن‌جا بیرون می‌زدم که صدایم کرد، یک قوطی ۵۰۰ گرمی مکمل به دستم داد و گفت: این را از آلمان آوردم. نگران پول نباش. شماره کارت می‌دهم برایت.

مکمل به‌دست به همسرم پیوستم که پشت در اتاق منتظرم بود. به خانه آمدم و شب، شماره کارت‌ش را به همراه رقم کلانی فرستاد که به اضافه دستمزد آن روز برایش فرستادم. بعد از چند اتفاق مشابه دیگر دور بدنسازی را برای همیشه خط قرمز کشیدم.

یک هفته پیش، وقتی برای جابه‌جا کردن حیوانات آشپزخانه با کمبود ظرف مواجه شدم، به سراغ ظرف مکمل رفتم. پرس و جو کردم. باقیمت‌های امروزی که همه چیز چندبرابر شده، سه‌چهارهزار تومان بود. پلمپش را باز کردم و کمی از آن چشیدم. به دوستی که در آزمایشگاه کار می‌کند زنگ زدم و قوطی را به دستش سپردم. نتیجه حاضر شد، نمی‌دانستم بخندم یا عصبانی شوم. چون چیزی نبود جز کمی پودر ویتامین ث، آن هم از نوع نامرغوبش که با مقدار زیادی آرد نخودچی ترکیب شده بود.



• مهديه ميرزايي

یکی از معانی تظاهر، خودنمایی کردن است. خودنمایی در روزگار مدرن، اشکال و ابعاد جدیدی به‌خود گرفته است. یکی از انواع خودنمایی، خودنمایی روشنفکرانه است. اصولا چرا با پدیده‌ای به‌نام خودنمایی مواجه هستیم؟ چرا افراد می‌خواهند خود را «نشان» دهند؟ و چرا این مساله «آسپنا» است؟

ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران، بر این باور است آسیب اصلی خودنمایی روشنفکرانه، به‌وجودآمدن هویت‌های کاذب است که باعث توهم خودبزرگ‌بینی و درجا زدن شده و مانع پیشرفت می‌شود.

آسپد دیگر خودنمایی روشنفکرانه، الگو شدن این افراد خودنما برای دیگران است، آن‌ها نه‌تنها خود را تخریب می‌کنند بلکه این آسیب را به اطرافیان نیز انتقال می‌دهند. افراد خودنما برای رسیدن به شهرت هر کاری می‌کنند، در حالی که شهرت نتیجه نیست و هدفی کاذب است، شهرت یک ساختار توهم‌انگیز است و ربطی با روشنفکر واقعی و اصیل ندارد.

او در یک گفتگوی اینستاگرامی که سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، بخشی از آن را منتشر کرده است، می‌گوید: خودنمایی به معنی تلاش فرد برای متمایز کردن خویش از دیگران از طریق گروهی از رفتارها، حرف‌ها و ژست‌ها است و منظور از خودنمایی روشنفکرانه، تلاش برای متمایز نشان دادن خود در قالب نقش یا تصویری که یک جامعه خاص در زمانی مشخص از مفهوم «روشنفکر» ساخته است.

برای نمونه در ایران این‌ا امر را با رفتارهایی چون استفاده بدون ضرورت از اصطلاحات و واژگان زبان‌های غربی، یا کسانی که در گفته‌های خود بیش از حد به اندیشمندان و نظریه‌پردازان استناد کرده و ارجاع می‌دهند، یا کسانی که در محل‌های شلوغ و عمومی کتاب در دست می‌گیرند و تظاهر به مطالعه می‌کنند، می‌بینیم.

چرا می‌گوییم این کارها نشانه خودنمایی هستند؟ دلایل همان نیاز واقعی یا کاذبی است که این افراد به داشتن یک هویت خیالی دارند. البته نیاز به هویت در همه انسان‌ها هست، به همین جهت تقسیم‌هویت خیالی یا کاذب، چون اغلب چنین هویتی با واقعیت موقعیت آن‌ها یا نیازهایشان انطباقی ندارد، و گرنه همه انسان‌ها نیاز دارند که به‌نوعی احساس کنند که دارای هویت هستند. هویت داشتن یک نوع قانع شدن نیست به این است که ما وجود خارجی داریم. کسانی که هویت ندارند احساس می‌کنند فراموش شده‌اند و وجود خارجی ندارند، به‌همین دلیل افراد علاقه دارند خود را نشان دهند. اولین نشانه هویت‌مندی آدمی هم داشتن نام است، به‌همین دلیل سیستم‌های توتالیتز (تمامیت‌خواه) اسم افراد را حذف و از آن‌ها سلب می‌کردند یا در زندان‌ها و محیط‌های امنیتی به‌جای اسم از شماره و نام‌های جعلی استفاده می‌شود.

برای این‌که هویت فرد را از او بگیرند، در سیستم‌های استعماری هم برای از بین بردن هویت، زبان افراد را از آن‌ها می‌گرفتند و اادارشان می‌کردند به زبان استعماری حرف بزنند و آن را جایگزین زبان خودشان کنند، در سیستم‌های جدید دولت‌های ملی این کار را با زبان‌های قومی و مادری می‌کنند تا آن‌ها را در مقابل هویت مرکزی تضعیف کنند، بنابراین داشتن هویت یک امر ضروری است.

وی با اشاره به چشم‌انداز تئوریک خودنمایی‌های روشنفکرانه ادامه می‌دهد: در ارتباط با این موضوع می‌توانیم به دو نظریه‌پرداز اشاره کنیم، یکی «روینگ

تظاهرهای نوظهور



گافن» و دیگری «پیر بوردیو». گافن مطرح می‌کند که آدم‌ها می‌خواهند در سطح اجتماعی دیده شوند، بنابراین برای دیده شدن سعی می‌کنند نقش خود را در قالبی کلیشه‌ای (به‌صورت ناخودآگاه) ایفا کنند، قالب کلیشه‌ای که جامعه آن را می‌سازد. مثلا از نمونه کلیشه‌های روشنفکری می‌توان به عینک زدن بی‌دلیل یا استفاده از یک نوع لباس یا زیان خاص اشاره کرد. بعدها بوردیو در نظریه «میدان»، ایده گافن را تکمیل می‌کنند. هر کدام از این حوزه‌ها یک میدان را تشکیل می‌دهند، بین خود روشنفکران هم رقابت شکل می‌گیرد که چه کسی روشنفکرتر است؟ چه کسی شناخته‌شده‌تر است؟ برای این‌که امتیازات آن میدان را بگیرند، خواست دیده شدن به‌خودی خود یک آسیب نیست، زمانی تبدیل به آسیب می‌شود که این ایفای نقش از ذات و جوهر نقش فراتر می‌رود، مثلااستناد دادن به اندیشمندان به‌خودی خود بد نیست، حتی گاهی به‌خصوص در آثار مکتوب الزامی و مفید است، ولی اگر به‌جای این استناد ما درصدسوءاستفاده از آن در راستای منافع و اثبات خود باشیم آن‌گاه آسیب‌زا می‌شود

آن چیزی که ما به آن اظهار فضل و قضاوت کردن درباره دیگران می‌گوییم و با برچسب نقد به آن مشروعیت بخشیده می‌شود، درحالی که نقد کردن دارای شرایطی از جمله مشروعیت نقاد، شناخت کافی از موضوع و داشتن هدفی مثبت از نقد کردن است، بنابراین آسیب اصلی خودنمایی روشنفکرانه، به‌وجود آمدن هویت‌های کاذب است که باعث توهم خودبزرگ‌بینی و درجا زدن شده و مانع پیشرفت می‌شود.

تظاهر به خوشبختی

یکی دیگر از انواع تظاهر، تظاهر به خوشبختی

است. دکتر مصطفی آبروشن، جامعه‌شناس، در این مورد در سایت انجمن جامعه‌شناسان جوان می‌نویسد: انسان موجودی است اجتماعی که در تعامل با گروه‌های اجتماعی هویت پیدا می‌کند. ارتباطات انسانی به یمن شبکه‌های اجتماعی به‌شدت فراوان شده است، اما فردگرایی و خودمجوری انسان، او را تنهاتر از همیشه کرده است.

ترس از طردشدن و دیده نشدن چنان هراسناک است که انسان حاضر است فرار از این موقعیت خودساخته، دست به هر اقدامی بزند. ما در عصری زندگی می‌کنیم که شبکه‌های اجتماعی تمامی مناسبات اخلاقی و عرفی انسان‌ها را تحت‌تأثیر خود قرار داده است.

شبکه‌های اجتماعی این امکان را به کاربران می‌دهد که خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند و بر این اساس با دریافت لایک یا کامنت‌های تحسین‌برانگیز، بر احساس دیده نشدن چیره شوند و تنهایی را کمتر احساس کنند. فراگیر شدن سلفی در فضای مجازی ما را با این واقعیت تلخ آشنا می‌کند که بشر بیش از تمام

دوره‌ها تنهایی در جمع را تجربه می‌کند. وقتی ما با یکدیگر و در کنار خانواده عکس می‌گیریم، نشان از حضور بااهمیت دیگرانی دارد که ما در کنار آن‌ها هویت پیدا می‌کنیم، اما افزایش رو به رشد عکس‌های سلفی که فرد از خودش در اتاق یا مسافرت تفریحی می‌گیرد، صرفا درجه تنهایی و تمنای دیده شدن در او را نشان می‌دهد.

این افراد علی‌رغم این‌که با ظاهری همراه با غرور و

القای شایستگی ظاهر می‌شوند، اما این نمایشگری‌های غیرمتعارف، کنه‌ایی است که نشان از نیاز آنان به توجه و احترام دارد. درواقع شیوع و انتشار عکس‌های سلفی



دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۹-سال نود و پنجم-شماره ۲۷۶۵۲

شخصیت نمایشی

مهرداد فلاطونی، روان‌شناس اجتماعی، با بیان این‌که با گسترش فضای مجازی و به‌نبال آن افزایش مخاطبان این عرصه، شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام به ابزاری برای کسب شهرت و درآمد در جامعه تبدیل شده است، تا جایی که زن و شوهرها هم برای مشهور شدن، مسائل زناشویی‌شان را در ملاء عام به اشتراک می‌گذارند و تظاهر به خوشبختی می‌کنند، بر این باور است که از دیدگاه روان‌شناسی عموما این زوج‌ها دچار اختلال «شخصیت نمایشی» هستند و دوست دارند با داستان پردازی، خود را در معرض توجه قرار دهند، چراکه تأیید جامعه، نیاز اصلی زندگی آن‌هاست.

او در گفتگو با ایسنا، با بیان این‌که خوشبختی یک موضوع نسبی است که از دیدگاه هر فرهنگ و جامعه‌ای تعریف خاص خودش را دارد، می‌گوید: در بسیاری از کشورهای غربی خانواده‌ها لحظات خوش خود را با دوستانشان به اشتراک می‌گذارند. همین مسأله باعث شده این دیدگاه از طریق فضای مجازی در کشورهای دیگر همچون ایران نیز شایع شود، اما سؤالی که پیش می‌آید این است که اگر افراد در واقعیت خوشبخت هستند، چه لزومی دارد که بخواهند آن را در ملاءعام نمایش دهند؟ به‌نظم این افراد متظاهر، در واقعیت نه‌تنها خوشبخت نیستند بلکه حتی از زندگیشان احساس رضایت ندارند.

فلاطونی در پاسخ به این سؤال که چرا برخی افراد جامعه سعی می‌کنند که به خوشبختی تظاهر کنند، می‌گوید: آسیب‌های طبقاتی، مشکلات مالی و اجتماعی از مسائلی است که زندگی‌های مشترک و غیر مشترک را تحت‌تأثیر قرار داده است. در این میان فقدان احساس خوشبختی یکی از آسیب‌های اصلی جامعه به‌شمار می‌رود. زمانی که چنین احساسی در جامعه شکل می‌گیرد، مردم برای تأمین این احساس تظاهر می‌کنند.

افرادی که زیر پوست شبکه اجتماعی اینستاگرام، خود را خوشبخت جلوه می‌دهند، از دیدگاه روان‌شناسی دچار اختلال شخصیت نمایشی هستند که دوست دارند با داستان پردازی خود را در معرض توجه قرار دهند. آن‌ها زمان انرژی و سرمایه بسیاری را صرف خودآرایی می‌کنند و تأیید دیگران نیاز اصلی زندگی‌شان است، اما اگر موردی بی‌توجهی قرار گیرند علائم دل‌زدگی و افسردگی از خود نشان می‌دهند.

تظاهرکنندگان به خوشبختی بعد از مدتی از سوی جامعه فحش و ناسزا دریافت می‌کنند، زیرا در جامعه‌ای

که مردم در مسیر زندگی با تالطم مشکلات مختلف مواجه باشند، حوسله ندارند که بخواهند خودنمایی افراد دیگر را تحمل کنند، لذا چنین بازخوردهایی نه‌تنها تمارضاتی را در جامعه ایجاد می‌کند بلکه آسیب‌های جدی به جامعه وارد خواهد شد. با این تفاسیر اما این روان‌شناس مدعی است که تعدادی از زوج‌های متظاهر خوشبخت، «بیزینس‌من»هایی هستند که در قالب افراد خوشبخت، تجارت و کسب درآمد می‌کنند.

او تأکید دارد یکی از اصول مدیریت فروش، بازار سنجی است. بسیاری از این افراد در ابتدا خود را خوشبخت نشان می‌دهند و بعد از افزایش مخاطبانشان تجارت می‌کنند، اما این روش برای کسب درآمد اقدام ناجایی است که از نظر روحی و روانی به جامعه آسیب وارد می‌کند. این رفتارها موجب شکل‌گیری عقده خودبزرگ‌بینی در جامعه می‌شود. شاید به‌دلیل چشم و هم‌چشمی‌های زوجین، آمار طلاق افزایش پیدا کند و از طرفی دیگر جوانانی از سر احساسات و هوش هیجانی رابطه عاشقانه‌ای را شروع کنند تا مانند زوج‌های شاخ اینستاگرام، معنای عشق را تجربه کنند، اما بعد از مدتی متوجه شوند که آن‌ها در ظاهر خوشبخت هستند، همین مسائل باعث می‌شود به مرور جوانان از ازدواج و تعهدپذیری گریزان شوند. انسان‌ها باید خوشبختی را در درونشان پیدا کنند، زیرا رفتارهای افراد از خود بروز می‌دهند، براساس هویت اجتماعیشان است. یعنی هویت فردی آن‌ها تحت‌تأثیر هویت اجتماعی شکل می‌گیرد.

به احترامی دروغین وادار.

نمایش‌های متفاوت

• ارمغان زمان فشمی

زن سنتی ایرانی که در فیلم «دو زن» ساخته تهیمنه میلانی شاهد نمونه‌ای از آن‌ها بودیم، پس از مرگ شوهر نابود نمی‌شوند و به زندگی خود ادامه می‌دهند.

برگزارکنندگان این جشن‌ها می‌خواهند به دیگران نشان بدهند که انسان می‌تواند در تنهایی نیز شاد باشد و احساس شرمندگی نکند. جشن طلاق بیانگر افزایش منزلت اجتماعی و گسترش آزادی‌ها و حقوق زنان ایرانی نیز هست، زیرا در دهه‌های پیش حتی حرف زدن از جشن طلاق و تصور و بیان آن تابو بود. این جشن برای آقایان ایرانی نیز پیمی دارد محتوی این نکته که زنان برخلاف گذشته که از طلاق می‌ترسیدند و حاضر بودند انواع حقارت‌ها و ستم‌ها را تحمل کنند اما جدا نشوند، دیگرچنین نگاهی به طلاق ندارند، بنابراین مردان ایرانی باید به رعایت حقوق زنان پایبند باشند و برابری حقوق زنان و مردان را جدی بگیرند.

جشن طلاق می‌تواند نشانه حمایت خانواده‌های ایرانی از زنان مطلقه هم باشد تا دوست و فامیل بدانند که این زن پس از طلاق نیز حمایت خانواده را از دست نداده است، درصورتی که در گذشته زنان یکی از موانع طلاق را عدم حمایت خانواده خود می‌دانستند.

این استاد دانشگاه درباره آرایش‌های ویژه سوگ نیز می‌گوید: در گذشته‌ای نزدیک، بسیاری از بانوان ایران آرایش در مجلس ترحیم را توهین به مرده و بازماندگان او تلقی می‌کردند اما اکنون در برخی از اقشار شاهدیم زنان با آرایش‌های مخصوص در مجلس سوگواری شرکت می‌کنند.

این رفتار بانوان ایرانی چند نکته جامعه‌شناختی را در درون خود نهفته دارد. آرایش در مجلس زانه به‌نوعی ابزار قدرت برای جلوه‌گری زیبایی تبدیل شده است که می‌تواند یکی از نتایج نوع پوشش و حجاب زنان و دختران ایرانی هم باشد. این قدرت‌نمایی (از دیدگاه مکتب تضاد) در گذشته با تسلط سنت‌گرایی در جامعه ایرانی فرصت بروز در مجامع و مجالس سوگ را نداشت اما اکنون با سست شدن برخی ارزش‌های سنتی و دینی، حتی مجامع مذهبی زنان نیز گاهی به صحنه قدرت‌نمایی زنانه تبدیل می‌شود. برخی زنان می‌خواهند از این طریق نشان بدهند که اُدیّت، مدگرا و اصطلاحا به‌روز هستند. زنان ذاتا زیبا بودن را دوست دارند و برخی این زیبا بودن را به‌واسطه کاهش فشارهای هنجاری تفکرات سنتی گذشته که آرایش را در مجامع مذهبی و سوگواری‌ها تابو و غیرطبیعی می‌دانستند، به تصویر می‌کشند.





زندگی، سادگی و دیگر هیچ



● محمد احمدوند*

دانشجوی لیسانس بودم در اهواز. آن موقع خارجی، به خصوص روسی، در اهواز زیاد بود. یک بار که با دوستم به پارک ساحلی رفته بودیم زن و شوهر جوان روسی را دیدیم که هر کدام یک بستنی قیفی در دست گرفته بودند و گاهی وسط حرف زدن هایشان لبیس کوچکی به آن می زدند.

من و دوستم کلی به بستنی خوردن آن ها خندیدیم. راستش در فیلم های خارجی متوجه نکته جالبی شده ام. اروپایی ها و آمریکایی ها نوشیدنی خود را چه جای باشد چه قهوه و چه آب میوه و غیر آب میوه، خیلی آرام و جرعه جرعه می خورند و بین هر جرعه هم کلی فاصله می افتد؛ درست برعکس ما ایرانی ها که اغلب هر چه به ما بدهند به یک باره سومی کشیم. راستش به نظر می رسد آن ها سعی می کنند از هر چیز کوچکی حتی یک جرعه چای لذت ببرند. نوشیدنی خود را جرعه جرعه می نوشند، خوب مزه می کنند و بعد قورت می دهند. آن ها سبک زندگیشان همین است: لذت بردن از چیزهای کوچک.

شاید برایتان جالب باشد بدانید در آمریکا یخچال شاید بای ساید حتی وستینگ هاوس کمتر از ایران مشتری دارد. حتی در خانه های بزرگ حاشیه شهرها هم از یک یخچال ساده استفاده می کنند. یا به ندرت در خانه های آن ها تلویزیون های بزرگ می بینید؛ برعکس ما که همه چیز مان غول پیکر است. طرف نمی تواند در آپارتمانش از پنج نفر پذیرایی کند اما ساید بای سایدش برقرار است یا تلویزیونش آن قدر بزرگ است که چشمش را کور می کند!

به نظرم بخشی از مشکلات اقتصادی مردم علاوه بر بی کفایتی مسئولان و فساد و دزدی و اختلاس سرمایه های طبیعی و مالی کشور به خود مردم برمی گردد. من خانواده ای را می شناسم که دائم از دیگران پول قرض می کنند و در یک خانه کوچک دور افتاده مستاجر هستند اما مادر خانواده که بی سواد است گوشی هوشمند چهار میلیون تومانی دستش می گیرد!

با خانواده رفتم باغ. بچه ها تنی به آب حوضچه باغ زدند، خانم ها برگ مو چیدن برای بردن به خانه و درست کردن دلمه و مردها بادام تازه چیدن و شکستند برای بقیه. خدا را شکر اینترنت ضعیف بود و کسی سرش توی گوشی نبود. ناهار خانم ها خاگینه درست کردند که با سنگک تازه خوردیم. نه جوجه کبابی

در کار بود و نه برنجی. آن قدر غذا مزه داد که هیچ کباب و جوجه کبابی مزه نمی داد. یک کیلو سیب زمینی کوچک هم انداختیم در آتش و عصرانه با چای آتشی خوردیم. همین.

حالا که کرونا نمی گذارد مردم دورهمی داشته باشند اما کلا این عادت بد ما ایرانی هاست که فکر می کنیم اگر برای مهمان چند نوع غذا درست نکنیم یا حداقل جلومرغ درست نکنیم بی احترامی کرده ایم. بدتر مهمانی که برای غذا آمده است و دلخور می شود. خوب هر رفتی آمدی دارد. وقتی شما انتظار غذای آن چنانی دارید در برگشت باید شبیه آن را جبران کنید. شما هم که به اصرار خودتان چند نوع غذا درست می کنید طرف مقابلتان را مجبور می کنید چند نوع غذا درست کند.

در بعضی مهمانی ها دیده ام که اهالی خانه و به خصوص زن خانه آن قدر برای تدارک غذا کار کرده اند که خستگی در چهره آن ها کاملاً مشهود است. این که نشد مهمانی! مهمانی یعنی با هم بودن و از مصاحبت هم لذت بردن. غذا و میوه و تنقلات اصلاً اهمیتی ندارد. یاد می آید بچه که بودم دائماً یا مهمان بودیم یا مهمان داشتیم. غذا یک چیز ساده بود، ماکارونی یا مثلاً برنج و خورش و بعد چای و کشمش و نخودچی. گاهی میوه هم نبود یا نهایت کار یک نوع میوه. ما بچه ها که از اول تا آخر توی کوچه بازی می کردیم و به زور کتک ما را پای سفره می نشاندند! قبل از کرونا گاهی در خانه مادر جمع می شدیم به صرف املت یا آش رشته یا ماکارونی با سالاد. زندگی را بر خودمان و اطرافیانمان سخت کرده ایم و در همه چیز چشم و هم چشمی و رقابت کور کورانه داریم. این زندگی نیست!

دوران کرونا بی دوران سختی است. از خیلی چیزها محروم شده ایم اما با کمی فکر هنوز هم می توانیم لذت های کوچکی برای خود و خانواده خلق کنیم. چرا سببانه را توی حیاط خانه یا پشت بام آپارتمان نمی خوریم؟ چرا خود را با

پرورش گل و گیاه در گلدان یا باغچه حیاط سرگرم نمی کنیم؟ چرا دور هم فیلم نمی بینیم؟ چرا درباره فیلم ها و سریال هایی که می بینیم با هم حرف نمی زنیم؟ چرا سعی نمی کنیم یک هنر یا مهارت جدید یاد بگیریم یا مهارت قبلی خود را ارتقا بدهیم؟ باورتان می شود من کتاب ۵۰۴ را که ۲۵ سال پیش خوانده ام دارم دوباره می خوانم؟ چرا یک کتاب که به سلیقه همه می آید نمی خوانیم و درباره اش حرف نمی زنیم؟ وقت خوبی نیست درباره تاریخ و جغرافیای ایران و جهان مطالعه کنیم؟ نمی شود موزه ها را مجازی بازدید کنیم؟ دقت کرده اید وقتی سفر می کنیم بیشتر از آن که درباره مکان هایی که بازدید می کنیم بخوانیم و ببینیم عکس می گیریم؟ شاید دیگر هیچ وقت فرصت نشود آن مکان ها را ببینیم. چرا راحت لحظه ها را از دست می دهیم؟

یکی از مهم ترین و گاهی ارزان ترین لذت های زندگی غذا درست کردن و غذا خوردن است. من عاشق این کار هستم. از درست کردن املت با ترکیب های جدید بگیرد تا خورش های جدید و غذاهای خارجی که اتفاقاً از خیلی از غذاهای ایرانی کم خرج تر و ساده تر هم هستند. چه کسی گفته سبزی فلاں خورش یا فلاں آش باید حتماً شامل فلاں موارد باشد؟ ترکیب را عوض کنید و طعم های جدید ایجاد کنید. شاید برایتان جالب باشد که می شود به فالوده طالبی طعم هایی جدید اضافه کرد که در هیچ آب میوه فروشی نمی توانید پیدا کنید. یا مثلاً سیب زمینی را با روش های مختلف طبخ و غذاهای جدید درست کنید. برگشتن به غذاهای ساده و سنتی مثل آش بادمجان یا کله جوش خودش تنوعی است.



نان و پنیر را با سبزی های معطر بخورید و لذت ببرید. در جایان هل و دارچین بریزید تا تنوع داشته باشد. یکی دیگر از علائق من پیدا کردن ترشی ها یا مرباهای جدید است و وقتی به فروشگاه های بزرگ می روم چشمم همیشه دنبال ترکیب های جدید است. هر کدام را حداقل یک بار امتحان می کنم. ترشی انگور سیاه خورده اید؟ یا مثلاً ترشی پرورده گردو و بادمجان؟ زندگی پر از چیزهای کوچک و ارزان است که می تواند زندگی شما را متنوع کند.

جامعه ایرانی جامعه ای خودآزار است. مردم دائماً برای خودشان در دسر می تراشند و زخارف دنیوی را اضافه می کنند. جشن ها و مهمانی ها و حتی عزاهای ما پیچیده تر و شلوغ تر و سخت تر می شود. جوان ها از پدر و مادر توقع های عجیب و غریب دارند. گاهی خود پدر و مادرها زندگی جوان ها را دچار مشکل می کنند. ازدواج کردن روز به روز سخت تر و پرهزینه تر می شود. هنوز میل و وسایل خانه خوب و سالم هستند اما باید جدیدترش را بخرند تا با مد روز پیش بروند. ذهن مردم و به خصوص جوان های ما جایی است که نباید باشد. ارزش کار سالم و تلاش و کوشش دارد رنگ می بازد. کسی که می خواهد ساده و سالم زندگی کند مورد تمسخر قرار می گیرد. ارزش ها وارونه شده اند و حواسمان نیست این پیچیدگی هایی که داریم خلق می کنیم خودمان و فرزندانمان را هم گرفتار خواهد کرد.

زندگی بیشتر از پیچیدگی، سادگی دارد و بیشتر از توالی و تداوم، لحظه دارد. وقتی اهمیت لحظه ها را بهتر می فهمید که عزیزی را از دست بدهید و یادتان بیاید ده دقیقه وقت نگذاشته اید به او سر بزنید و با او یک استکان چای بخورید. زندگی یعنی سادگی، لحظه ها و دیگر هیچ.

* مدرس دانشگاه و آموزش و پرورش

حسینعلی مداح*

دختر به مثابه لوازم خانگی!

به تبع عشق و علاقه به امور اجتماعی، محتوی ضمیمه جامعه را به دقت مطالعه و تجزیه و تحلیل می کنم. چاپ شماره ۴۴۹ مورخ دوشنبه ۱۳۹۹/۴/۳۰ الحق والانصاف در مورد ازدواج سنگ تمام گذاشته بود.

اما یک مسأله بسیار مهم و اساسی از قلم افتاده بود و آن سختگیری والدین در اولین قدم شروع یک جلسه ابتدایی به نام «بله برون» درباره شرایط پیشنهادی و پیش نویس قرارداد ازدواج بین دو طرف زوج و زوجة است.

بد نیست داستان بله برون یکی از پسران خودم را که می خواست با دختر دایی اش ازدواج کند مطرح کنم تا ابعاد مختلف این مسأله روشن شود.

دو سال قبل پسر من که حدود ۳۵ سال داشت به دختر دایی خود علاقه مند شد و مادرش را مجبور کرد این موضوع را با والدین دختر ۲۵ ساله در میان بگذارد. مادر دختر، زنی بسیار فهمیده اما تحت سلطه شوهر بود و حق دخالت و اظهار نظر درباره این ازدواج را نداشت. پدر دختر خطمشی و شرایط ازدواج را تعیین و اعلام می کرد و همسر مجبور بود فقط با او که رئیس خانواده و همه کاره بود صحبت کند.

این گفتگوها به طول انجامید و سرانجام پدر دختر، این شرایط را کتباً اعلام کرد: شوهر (پسر من) باید یک ملک ارزنده که در فلاں منطقه دارد را به عنوان مهریه عندالمطالبه دختر قرار دهد. علاوه بر این، تعداد یک هزار سکه تمام بهار آزادی به مهریه اضافه شود تا دخترم احساس آرامش کند. حق طلاق با دخترم است. حق مسکن با دختر باشد. دختر حق دارد بدون اجازه شوهر ماهی یک بار از تهران به شاهرود نزد خانواده بیاید.

این جانب که در جلسه حضور داشتم از شنیدن این ارقام و اعداد به فکر فرو رفتم و با خود گفتم که آیا پدر دختر قصد فروش دخترش را دارد یا ازدواج؟ زیرا چنین شرایط سنگینی در هیچ جای دنیا سابقه ندارد.

حاضران در جلسه از جمله همسر من به پدر دختر گفتند شرایط فوق را روی کاغذ بیاورد و همه از جمله خودم آن را امضا و مهر کنند. حقیر در فشار قرار گرفته بودم، اعتراض به جایی نرسید و امضا کردم ولی ماده قانونی ۱۰۸۵ خانواده را می دانستم که اگر طرفین قرارداد ازدواج، پس از انجام جلسه «بله برون» و امضا قرارداد، به هر دلیلی از ازدواج منصرف شوند، می توانند نظر خود را به طرف دیگر بگویند و موضوع کان لم یکن تلقی شود.

پس از یک ماه من صراحتاً به پدر دختر گفتم این ازدواج به مصلحت پسر من نیست، زیرا دختر را به عنوان یک کالا نظیر یخچال و کمد و ماشین لباسشویی تلقی کرده ایم (پدر دختر فروشگاه لوازم خانگی داشت و همه چیز را به چشم کالا نگاه می کرد).

مادر دختر که در حقیقت نقشی در گفتگوها نداشت و به او گفته شده بود حق صحبت ندارد (نشانه دیکتاتوری و استبداد پدر دختر) به عنوان واسطه رفع مشکلات، با پسر من تماس گرفت و گفت ما زمین و ملک نمی خواهیم ولی هزار سکه سر جای خودش باشد.

با یک حساب سرانگشتی با خود گفتم پسر من یک ابزار فروش ساده بیش نیست و اگر این ازدواج صورت بگیرد و زن و شوهر سازش نداشته باشند و کار به طلاق بکشد، مجبورم هزار سکه تمام، یعنی چند میلیارد تومان خرج و پسر من را از زندان آزاد کنم.

آری، پدر و مادر هم می توانند مانع دیگری برای ازدواج پسر و دختر به حساب بیایند و این بزرگ ترین سنگ پیش پای آن ها خواهد بود.

* پژوهشگر علوم انسانی و مدرس دانشگاه

به مناسبت سال نو تحصیلی و بازگشایی مدارس

هیچ کس در باران نیامد!



• گودرز گودرزی (مجید)

دبستان ما که نام «جامی»، شاعر و سخن‌سرای پرآوازه سده نهم خورشیدی را بر آن گذاشته بودند و من یک‌سال پیش‌تر در آن نبودم، دوطبقه بود با نمای آجری که در نسبتا بزرگی داشت. حیاط دبستان، آسفالت نبود؛ شن ریخته بودند. وسط محوطه، حوض نسبتا بزرگ مستطیل‌شکلی جا خوش کرده بود که معمولا پر از آب بود. گاه می‌توانستی بدون چشم مسلح، ته حوض را ببینی و بعضی‌موقع‌ها حتی با ابزار و وسایل آن روز هم نمی‌توانستی کف آن را ببینی و تشخیص بدهی که آن زیر چه خبرهاست. ما بچه‌ها هنگام زنگ تفریح و موقع بیرون رفتن از دبستان، آب حوض را آشفته می‌کردیم. اگر زلال بود، آن را کم‌کم کدر و تیره می‌کردیم و چنان‌چه کدر و تیره بود، که دیگر فاتحه، بیا و تماشا کن!

یک‌روز که از دبستان برمی‌گشتم خانه، متوجه شدم لیوان آب‌خوری‌ام نیست، یقینا جایی نبود به‌جز دبستان. فردای آن‌روز، لیوان فلزی زردرنگ من پیدا شد، در حوض افتاده بود؛ حوضی که آن روز آتش مانند بیش‌تر روزها گل‌آلود بود و نمی‌شد اشیای افتاده در عمقش را دید. یکی از بچه‌ها از خداخواسته، کفش‌هایش را درآورد و پاچه‌های شلوارش را تا زانو بالا زد و درون حوض پرید و پس از دست‌دست کردن‌های زیاد، گمشده را پیدا کرد و آن را مانند جام قهرمانی المپیک - که از ش گل و لای و آب سیاه می‌ریخت - شادی‌کنان بالای سر گرفت؛ عین مدال! مگر حالا راضی می‌شد از داخل حوض بیرون بیاید؟ انگار آب گل‌آلود حوض، زیر زبانش مزه می‌داد. بچه‌ها سر قوز آمدند و از هر طرف، سروصداکنان به «قهرمان» آب می‌پاشیدند و متلک بارش می‌کردند، اما او از رو نمی‌رفت و جری‌تر از پیش وسط حوض می‌رقصید و مسخره‌بازی درمی‌آورد.

- چه خبره! آهای! با شما هستم! گفتم چه خبر شده؟ چرا این قدر داد و هوار می‌کنین؟

ترکه ناظم دبستان، پای دوسه نفر را شکار کرد و معرکه تمام شد. من دوست نداشتم شادی بچه‌ها به این شکل پایان یابد، تلخ و دردناک همراه با ترس و گریز.

در کلاس بودیم. آخرین ماه فصل پاییز بود. آسمان از چندی پیش شروع کرده بود به اشک ریختن و چه اشکی هم می‌ریخت، هیاهو کنان و پر سروصدا. دلش حسابی پُر بود انگار. در کوه‌دشت برف به‌ندرت می‌بارید یا اصلا نمی‌بارید اما باران تا دلت بخواهد. و وقتی هم می‌بارید، فکر می‌کردی آسمان سوراخ‌سوراخ شده - عین برنج‌پال، ولی با سوراخ‌هایی بسیار بزرگ‌تر - و همین‌طور پر شتاب و پر ملاحظه فرو می‌ریخت و ملاحظه البته رعد و برق بود. غریو رعد و نورافشانی برق و ریزش تند باران پاییزی، هم حواس ما بچه‌ها را به بیرون از کلاس می‌راند و هم حواس معلم را.

معلم روی تخته‌سیاه نوشته بود: آن مرد آمد. او در باران آمد. او با اسب آمد. سین اسب را با گچ قرمز نوشته بود.

ما باید نوشته روی تخته‌سیاه را چندبار توی دفتر مشقمان می‌نوشتیم؛ آن قدر که دوصفحه را پر کند و بعد نمره بگیریم. صدای ورق‌خوردن دفترها و کشیده‌شدن مدادها و گاه شکستن نوک مدادی و صدای خرت‌خرت مدادتراشی در لابه‌لای زمزمه کردن ممتد و بی‌وقفه کلمه‌ها در گوش‌ها می‌پیچید و برابر غرش مهیب رعد، حکم لالایی را داشت.

از پشت پنجره به بیرون - که نبود جز محوطه عریان دبستان - نگاه می‌کردم و جز خطوط عمودی و دراز باران، چیز دیگری به چشم نمی‌آمد؛ انگار باران هم از نهیب رعد و برق، هراسان شده و خودش را از آسمان رها کرده بود؛ سقوط آزاد!

در کلاس بودیم. بوی زمستان می‌آمد از دور، از دور دست‌های دور. ابرها چنان کپک در کپک هم، شانه به شانه یکدیگر داده بودند که خورشید جرأت نمی‌کرد خودنمایی کند؛ خورشید در پس ابرها پنهان شده بود، در پشت ابرهایی سیاه و تیره و متراکم که خشم‌آلود در هم فرو می‌رفتند و به همدیگر گره می‌خوردند. ابرها روشنایی روز را بلعیده بودند. لامپ آویز کلاس به جنگ تاریکی آمد. نور لامپ را که دیدم فکر کردم شب شده است اما این گونه نبود. هنوز روز بود، هنوز بعدازظهر یک روز درسی بود.

روز تاریک شده بود. در افق مثل این که آسمان چسبیده بود به زمین؛ ابرها در دور دست‌ها - که به‌نظر می‌آمد خیلی نزدیک است - انگار چسبیده بودند به زمین؛ خیلی پایین آمده بودند. هرچه از پشت پنجره خیس کلاس به بیرون نگاه

می‌کردم - پنجره‌ای که باران روی شیشه‌هاش، سُرسُره‌بازی می‌کرد - هیچ مردی را ندیدم که در باران بیاید؛ چه بی‌اسب و چه با اسب. آب حوض، مثل دیگی که جوش بیاید در زیر باران قل می‌زد و بی‌تابی می‌کرد.

داشتم با خودم می‌گفتم چه‌طور به خانه بروم، بدون چتر و بدون بارانی تا برسم خانه حتما مانند فطیری که در آب بخیسد، از هم وا خواهم رفت که غرش رعد، تمام مدرسه را به لرزه درآورد و مرا از فکر فطیر و خمیرشدن بیرون کشید.

زنگ آخر که زده شد، معطل نکردیم؛ با عجله از پشت میزها کنده شدیم و به طرف در کلاس و بعد حیاط هجوم بردیم. باران همچنان از آسمان پر سروصدا، یک‌ریز می‌بارید. کیف سیاه چرمی‌ام را روی سر گرفتم و شروع کردم به دویدن. آب حوض دبستان حالا می‌سریز می‌کرد. شن‌های حیاط انگار که حمام رفته باشند، از تمیزی برق می‌زدند. جوی مقابل دبستان به زیر آب رفته بود. آشغال‌های داخل جوی، به پیاده‌رو و خیابان دست‌درازی می‌کردند. از سر و روی شهر، آب می‌چکید. باران یک‌ریز می‌بارید. اما اصلا مردی را ندیدم که در باران بیاید؛ چه با اسب و چه بدون اسب...



امروز در تاریخ

زادروز ابوریحان بیرونی

ابوریحان محمد بیرونی، دانشمند بزرگ ایرانی، ۱۵ سپتامبر ۹۷۳ میلادی در منطقه خوارزم که در قلمرو دولت سامانیان بوده به دنیا آمد. بیرونی در ریاضیات، هیأت (علوم فضا)، فیزیک، زمین‌شناسی و جغرافیا سرآمد دانشمندان عصر خود بوده است. دایره المعارف علوم چاپ مسکوی را دانشمند همه قرون و اعصار خوانده است. در بسیاری از کشورها نام بیرونی را بر دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و تالار کتابخانه‌ها نهاده و به او لقب «استاد جاوید» داده‌اند. یک فرو رفتگی در کره ماه به نام بیرونی اسم گذاری شده است. بیرونی گردش خورشید، گردش محوری زمین و جهات شمال و جنوب را دقیقاً محاسبه و تعریف کرده است. بیرونی که بر زبان‌های یونانی، هندی، عربی و حتی «بربر» هم تسلط داشت، کتاب و رسالات متعدد نوشت. مهم‌ترین آثارش «تفهیم» در ریاضیات و نجوم، «آثار باقیه» در تاریخ و جغرافیا، «قانون نسمع دی» و کتاب «هند» است.

نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول

۲۴ شهریور ۱۲۸۵ که نیروهای عثمانی در غرب ایران پس از تصرف همدان و قزوین قصد حرکت به سوی تهران را داشتند، در تهران اعلام شد که چون رئیس‌الوزراء ایران به‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران در قبال دولت‌های متخاصم در جنگ جهانی اول، به انگلستان و روسیه وعده همکاری داده است؛ عثمانی‌ها که متحد آلمان و برضد روسیه، انگلستان و فرانسه هستند دست به پیشروی در خاک ایران زدند. طبق اسناد موجود، محمدولی خان تکه‌بانی، رئیس‌الوزراء وقت (معروف به سپهسالار) به‌دولتین انگلستان و روسیه نوشته بود که چون راهی جز قبول همکاری با آنها را ندارد، این همکاری سیاسی - نظامی - انجام‌آورد پذیرد.

۱۳ سپتامبر زادروز «والد دال»، داستان‌نگار نروژی
تبار انگلیسی است که در ۱۹۱۶ به دنیا آمد. نویسنده شدن او
اتفاقی بود. دال که در ویلن به دنیا آمده بود در دوران جنگ
جهانی دوم خلبان جنگنده بود و پس از هر مأموریت، نه
تنها شرح واقعه بلکه احساس و مشاهدات خود و آن چه
را که در جریان مأموریت از ذهنش گذشته بود و ساعات
آرامه‌یاش و تفریح را یادداشت می‌کرد. یک روز پس از
مأموریتی کوتاه، آن‌ها را جالب و برای دیگران خواندنی یافت و
تصمیم گرفت به صورت داستان کوتاه منتشر سازد.

www.iranianshistoryonthisday.com

قاب امروز



فوگران جوان بازار فرش تهران / عکس از: فاطمه عابدی

مسرایه

من خیال یار دارم، گر کسی را بر دل است

ک: خیال او شوم، خالی، خیالی، باطل است

حشمت عبادش، به قصد خواب هم شب تا سحر

در کمربند مردم چشم است و مردم غافل است

عشق در حان است و در جامه شاهان در نظر

در حین حالت "طبیعی" بار بار مشکل است

1. *Chlorophyll a* and *Chlorophyll b* (mg/g)

١٠٠٠

ما ز دریا ییم، همچون قطره و دریا، ز ما

لیکن از ما در میان ما حجابی حایل است

یار اگر با ما به صورت می کند، بیگانگی

صورت او را به معنی، آشنایی با دل است

رحمتی بر جان سلمان کن که رحمت، واجب است

ناتوانی را که بار افتاده در آب و گل است

نانوال جان را به جان داد، رساییدم به لب

یک دم ای جان، خوش براهین احریست منزل است

سلمان ساوجی

جدول شرح در متن ۵۳۴۴

غلامحسین باغبان

[illegible]

سودو کو

ሂጸታ

	۷				۵	۸		۲
۸		۲		۷				
				۶		۹		
۱	۹				۳			
۴		۸				۵		۷
			۷				۹	۳
		۹		۵				
				۱		۶		۴
۲		۴	۶				۱	

۳	۱	۹	۸	۵	۴	۶	۷	۲
۶	۷	۲	۳	۱	۹	۸	۵	۴
۸	۵	۴	۶	۷	۲	۳	۱	۹
۹	۳	۱	۴	۲	۸	۵	۶	۷
۵	۸	۶	۹	۳	۷	۴	۲	۱
۴	۲	۷	۱	۶	۵	۹	۳	۸
۷	۹	۳	۵	۴	۱	۲	۸	۶
۱	۶	۸	۲	۹	۳	۷	۴	۵
۲	۴	۵	۷	۸	۶	۱	۹	۳

حل ۲۸۳۰